



تبیین عوامل اقتصادی و سیاسی مؤثر بر امنیت خانواده ایرانی (مورد مطالعه: شهر تهران)

امیر جعفری^۱، هوشنگ ظهیری^{۱*}، حبیب‌الله کریمیان^۱

۱. گروه علوم اجتماعی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Hoshzahiri@iau.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین جامعه‌شناختی نقش عوامل اقتصادی و سیاسی در امنیت خانواده ایرانی در شهر تهران انجام شد. این پژوهش با رویکرد آمیخته کمی-کیفی انجام شد. در بخش کمی، جامعه آماری شامل شهروندان ۱۸ سال و بالاتر ساکن تهران بود که ۴۰۲ نفر از آنان با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای طبقه‌ای-خوشه‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه مبتنی بر طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت گردآوری شد و روایی صوری و سازه و پایایی آن با آلفای کرونباخ بررسی گردید. داده‌های کمی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس تحلیل شدند. در بخش کیفی، ۲۰ مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با متخصصان و صاحب‌نظران حوزه خانواده و مسائل اجتماعی، به روش نمونه‌گیری هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری انجام و داده‌ها با تحلیل مضمون و محتوا بررسی شد. نتایج تحلیل واریانس نشان داد که ابعاد امنیت جانی، مالی، فکری و هویتی برحسب سطح درآمد تفاوت معناداری داشتند (همه $p < 0.001$). همچنین، وضعیت شغلی با امنیت جانی ($F=11.928$)، مالی ($F=11.451$)، فکری ($F=20.270$) و هویتی ($F=14.456$) تفاوت معناداری داشت (همه $p < 0.001$). تفاوت تحصیلی در امنیت جانی ($F=1.102$, $p=0.333$)، مالی ($F=1.453$, $p=0.235$) و فکری ($F=0.889$, $p=0.412$) معنادار نبود، اما در امنیت هویتی معنادار بود ($F=12.774$, $p<0.001$). میان امید به آینده و امنیت خانواده رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد ($r=0.60$, $p<0.001$)، در حالی که رابطه عوامل سیاسی با امنیت خانواده معنادار نبود ($r=-0.01$, $p=0.838$). یافته‌های کیفی نیز گرانی و افزایش هزینه‌های زندگی، مشکلات مسکن و بیکاری را به‌عنوان مضامین اصلی اقتصادی و چالش‌های حکمرانی و ارزیابی نامطلوب شرایط جامعه را به‌عنوان مضامین سیاسی برجسته ساختند. امنیت خانواده در تهران پدیده‌ای چندبعدی است و شرایط اقتصادی، به‌ویژه درآمد، وضعیت شغلی و امید به آینده، ارتباط آشکارتری با ابعاد مختلف آن دارد. در مقابل، اگرچه عوامل سیاسی رابطه مستقیم آماری معناداری با امنیت خانواده نشان ندادند، یافته‌های کیفی بیانگر اهمیت شرایط حکمرانی و زمینه‌های نهادی و اجتماعی در ادراک امنیت خانواده است.

کلیدواژه‌گان: امنیت خانواده، احساس امنیت اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی، امید به آینده، تهران.

تاریخ ارسال: ۹ تیر ۱۴۰۵

تاریخ بازنگری: ۴ مهر ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳ مهر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۱۳ مهر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۵



How to cite: Jafari, A., Zahiri, H., & Karimian, H. (2026). Explaining the Economic and Political Factors Affecting the Security of Iranian Families: A Case Study of Tehran. *Training, Education, and Sustainable Development*, 4(5), 1-24.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Explaining the Economic and Political Factors Affecting the Security of Iranian Families: A Case Study of Tehran

Amir Jafari¹, Hoshang Zahiri^{1*}, Habibollah Karimian¹

1. Department, Department of Social Sciences, Ga.C., Islamic Azad University, Garmsar, Iran

*Corresponding Author's Email: Hoshzahiri@iau.ac.ir

Abstract

This study aimed to provide a sociological explanation of the role of economic and political factors in the security of Iranian families in Tehran. This study employed a mixed-methods quantitative–qualitative design. In the quantitative phase, the population consisted of Tehran residents aged 18 years and older, from whom 402 participants were selected through multistage stratified-cluster sampling. Data were collected using a structured five-point Likert-scale questionnaire, whose face and construct validity and internal consistency were assessed. Quantitative data were analyzed using Pearson correlation and analysis of variance. In the qualitative phase, 20 in-depth semi-structured interviews were conducted with experts in family and social issues using purposive sampling until theoretical saturation. Interview data were transcribed, coded, categorized, and analyzed through thematic/content analysis. ANOVA indicated significant differences in physical, financial, intellectual, and identity-related family security across income groups (all $p < 0.001$). Occupational status was also significantly associated with physical ($F=11.928$), financial ($F=11.451$), intellectual ($F=20.270$), and identity security ($F=14.456$; all $p < 0.001$). Educational differences were non-significant for physical ($F=1.102$, $p=0.333$), financial ($F=1.453$, $p=0.235$), and intellectual security ($F=0.889$, $p=0.412$), but were significant for identity security ($F=12.774$, $p < 0.001$). Hope for the future was positively correlated with family security ($r=0.60$, $p < 0.001$), whereas political factors showed no significant direct correlation with family security ($r=-0.01$, $p=0.838$). Qualitative findings identified rising living costs, housing problems, and unemployment as major economic themes, while governance challenges and unfavorable perceptions of societal conditions emerged as key political themes. Family security in Tehran is a multidimensional phenomenon that is more clearly associated with economic conditions, particularly income, occupational status, and hope for the future. Although political factors showed no statistically significant direct association with family security, qualitative evidence suggests that governance and broader institutional and societal conditions remain relevant contextual influences on perceived family security.

Keywords: Family security, social security perception, economic factors, political factors, hope for the future, Tehran.

Submit Date: 30 June 2026

Revise Date: 26 September 2026

Accept Date: 05 October 2026

Initial Publish: 05 October 2026

Final Publish: 22 December 2026

خانواده به عنوان یکی از بنیادی ترین نهادهای اجتماعی، نقشی تعیین کننده در بازتولید اجتماعی، انتقال ارزش ها، حمایت عاطفی و اقتصادی از اعضا، جامعه پذیری نسل جدید و ایجاد پیوند میان فرد و ساختارهای گسترده تر جامعه ایفا می کند. پایداری این نهاد تا حد زیادی به سطح امنیتی وابسته است که اعضای خانواده در ابعاد مختلف زندگی تجربه و ادراک می کنند. امنیت خانواده مفهومی فراتر از نبود تهدید فیزیکی یا خشونت آشکار است و می تواند مجموعه ای از ابعاد جانی، مالی، فکری، هویتی، روان شناختی، اجتماعی و نهادی را دربرگیرد. از این منظر، خانواده زمانی در وضعیت نسبتاً امن قرار دارد که اعضای آن علاوه بر برخورداری از حداقلی از حمایت مادی و اقتصادی، نسبت به ثبات روابط درونی، آینده زندگی، استمرار منابع، هویت خانوادگی و کارآمدی محیط نهادی و اجتماعی پیرامون خود نیز احساس اطمینان داشته باشند. در مطالعات جدید نیز امنیت درون خانواده در پیوند با حمایت خانوادگی، انسجام، کیفیت روابط و ادراک افراد از محیط پیرامونی مورد توجه قرار گرفته است؛ به گونه ای که حمایت خانوادگی و احساس دریافت پشتیبانی از نزدیکان می تواند یکی از منابع شکل دهنده ادراک امنیت باشد (Li et al., 2025). همچنین، امنیت روان شناختی در خانواده می تواند در ارتباط میان انسجام خانوادگی، عزت نفس و رضایت زناشویی نقشی میانجی ایفا کند و نشان دهد که امنیت خانوادگی تنها حاصل شرایط بیرونی نیست، بلکه با کیفیت تعاملات و احساس تعلق اعضا نیز پیوند دارد (Namani et al., 2025).

ماهیت چندبعدی امنیت خانواده سبب می شود که تحلیل آن صرفاً در سطح روابط خصوصی میان اعضا کافی نباشد. خانواده درون ساختارهای اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی گسترده تری عمل می کند و تغییر در این ساختارها می تواند ظرفیت آن را برای ایفای کارکردهای اساسی تحت تأثیر قرار دهد. در یک جامعه در حال تحول، تغییر انتظارات مرتبط با نقش های جنسیتی، مسئولیت های خانوادگی و تقسیم وظایف میان اعضا می تواند الگوهای سنتی امنیت و حمایت در خانواده را بازتعریف کند (Gorlatykh, 2025). از سوی دیگر، تحول الگوهای خانواده و گرایش نسل های جدید به گونه های سنتی یا مدرن زندگی خانوادگی، با سرمایه فرهنگی، ارزش های اجتماعی و زمینه های نسلی ارتباط دارد و می تواند بر نحوه تعریف افراد از ثبات و امنیت خانواده اثرگذار باشد (Tahmāsbī Nāderī et al., 2022). حتی فرایند جامعه پذیری جوانان، که بخش مهمی از آن در خانواده شکل می گیرد، از کیفیت رابطه میان نسل ها، انتقال تجربه و میزان سازگاری میان انتظارات نسل قدیم و جدید تأثیر می پذیرد (Boichuk & Stadnik, 2023). بنابراین، امنیت خانواده را می توان حاصل برهم کنش میان منابع درونی خانواده و شرایط اجتماعی و ساختاری دانست که امکان یا محدودیت های زیست خانوادگی را تعیین می کنند.

در میان عوامل ساختاری، شرایط اقتصادی از برجسته ترین زمینه های مؤثر بر امنیت خانواده محسوب می شود. منابع مالی خانوار، سطح درآمد، ثبات شغلی، هزینه های مسکن، دسترسی به خدمات و قابلیت تأمین نیازهای روزمره، مستقیماً با احساس اطمینان یا آسیب پذیری اعضا ارتباط دارند. فشار اقتصادی می تواند نه تنها سطح رفاه مادی را کاهش دهد، بلکه بر روابط عاطفی، تعاملات والد-فرزند، تصمیم گیری خانوادگی و ادراک افراد از آینده نیز اثر بگذارد. مطالعات انجام شده درباره پیامدهای دشواری اقتصادی نشان داده اند که فشارهای اقتصادی شدید می توانند مسیر روابط میان والدین و فرزندان را تغییر دهند و کیفیت این روابط را در طول زمان تحت تأثیر قرار دهند (Ofte dal et al., 2025). همچنین، بررسی آثار بحران اقتصادی در سطح خانواده نشان می دهد که پیامدهای روان شناختی بحران های اقتصادی می توانند با اختلال در عملکرد خانواده همراه شوند و ظرفیت اعضا برای انطباق با فشارهای محیطی را کاهش دهند (Uditha & Bulathwatta, 2025). در چنین شرایطی، مسئله امنیت خانواده از یک متغیر صرفاً اجتماعی به مسئله ای مرتبط با اقتصاد خانوار و توان سازگاری با بی ثباتی های اقتصادی تبدیل می شود.

موقعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده علاوه بر تأثیر مستقیم بر تأمین نیازهای اساسی، از طریق مسیرهای روانی و اجتماعی نیز عمل می کند. برای مثال، وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده می تواند با احساس شایستگی والدینی ارتباط داشته باشد و این رابطه از طریق حمایت اجتماعی

و سرمایه روان‌شناختی تقویت یا تضعیف شود (Yuan et al., 2025). به همین ترتیب، جایگاه اقتصادی خانواده ممکن است رفتارهای مصرفی، کنترل فردی و نحوه واکنش اعضا به محرک‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد، زیرا تصمیم‌گیری‌های فردی نیز در خلأ اقتصادی رخ نمی‌دهند و در چارچوب منابع و محدودیت‌های خانوار شکل می‌گیرند (Zhao, 2025). همچنین، در میان زنان شاغل، وضعیت اقتصادی - اجتماعی ذهنی، تعارض کار و خانواده و کیفیت زندگی کاری می‌تواند با کیفیت زندگی ادراک‌شده ارتباط پیدا کند و نشان دهد که امنیت و رفاه خانواده با شرایط بازار کار و تجربه شغلی اعضا نیز پیوند دارد (Rajabi Gilan et al., 2025). بنابراین، درآمد و اشتغال را نباید تنها شاخص‌های مادی در نظر گرفت؛ این متغیرها می‌توانند بر امید، احساس کنترل بر آینده، ادراک ثبات و کیفیت روابط خانوادگی نیز تأثیر بگذارند.

یکی از ابعاد مهم اثرگذاری شرایط اقتصادی، ارتباط آن با روابط زوجین و فرزندپروری است. پایین بودن منابع اقتصادی یا تجربه فشار مالی می‌تواند بار رابطه‌ای میان زوجین را افزایش دهد و در برخی خانواده‌ها آسیب‌پذیری روانی را تشدید کند. برای نمونه، پژوهش درباره هم‌والدگری نشان داده است که وضعیت اقتصادی - اجتماعی و کیفیت روابط میان والدین می‌تواند در تجربه فشار روانی و نشانه‌های افسردگی مادران نقش داشته باشد (Mendes et al., 2026). چنین یافته‌هایی اهمیت توجه به سازوکارهای میانجی میان اقتصاد و امنیت خانواده را برجسته می‌کنند. به عبارت دیگر، فشار اقتصادی تنها به کاهش قدرت خرید منجر نمی‌شود، بلکه می‌تواند تنش، نگرانی نسبت به آینده، کاهش رضایت از روابط و احساس ناامنی روان‌شناختی را افزایش دهد. در مقابل، مداخلات مبتنی بر خانواده که برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی طراحی شده‌اند، علاوه بر پیامدهای رفتاری، دارای ابعاد اقتصادی قابل توجهی نیز هستند و بررسی هزینه و اثربخشی آنها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری بر خانواده می‌تواند بخشی از رویکردهای پیشگیرانه در حوزه رفاه اجتماعی باشد (Jacob et al., 2025).

در بستر ایران، مسائل اقتصادی خانواده با چارچوب‌های حقوقی و نهادی نیز ارتباط نزدیک دارد. حقوق مالی اعضای خانواده، تأمین معاش، حمایت قانونی و سازوکارهای الزام‌آور مربوط به مسئولیت‌های اقتصادی می‌توانند در احساس امنیت مالی نقش مهمی داشته باشند. تحلیل نهاد نفقه در حقوق خانواده ایران نشان می‌دهد که حمایت اقتصادی از اعضای خانواده علاوه بر ماهیت فردی و حقوقی، دارای کارکرد اجتماعی و حمایتی است و می‌تواند به استمرار کارکردهای خانواده کمک کند (Bahmani Azam et al., 2024). در عین حال، بررسی آسیب‌شناختی حقوق مالی زوجه در چارچوب قانون حمایت خانواده نشان می‌دهد که تحقق مؤثر حقوق مالی و قابلیت اجرای آنها برای ایجاد اطمینان اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری در روابط خانوادگی اهمیت دارد (Kohansal Kalkenari et al., 2025). از منظر دیگری، ارزش‌های اخلاقی و مبانی حقوقی مرتبط با تأمین امنیت زنان در خانواده نیز نشان می‌دهند که امنیت خانوادگی تنها وابسته به درآمد خانوار نیست و کیفیت حمایت حقوقی و اخلاقی از اعضا نیز در تجربه امنیت مؤثر است (Ehrami, 2025). بنابراین، شرایط اقتصادی خانواده در پیوند با نظام حقوقی و میزان کارآمدی حمایت‌های رسمی قابل فهم است.

سیاست‌های کلان اجتماعی نیز می‌توانند از طریق تنظیم منابع، حمایت‌ها و مشوق‌های خانوادگی بر امنیت خانواده تأثیر بگذارند. برای مثال، ارزیابی ظرفیت قوانین حمایت از خانواده و سیاست‌های جمعیتی نشان می‌دهد که قانون‌گذاری در حوزه خانواده زمانی می‌تواند اهداف امنیت اجتماعی را محقق کند که میان نیازهای واقعی خانواده، منابع حمایتی و اهداف سیاستی انسجام وجود داشته باشد (Taghizadeh, 2024). از این منظر، امنیت خانواده بخشی از امنیت اجتماعی محسوب می‌شود و نمی‌توان آن را صرفاً به مسئولیت خود خانواده تقلیل داد. سیاست‌های اشتغال، مسکن، حمایت اجتماعی، رفاه، مالیات، بیمه و جمعیت همگی می‌توانند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر میزان ثبات و اطمینانی که خانواده‌ها تجربه می‌کنند اثرگذار باشند. به همین دلیل، ارزیابی شرایط اقتصادی باید هم سطح خرد خانوار و هم سطح کلان سیاست‌گذاری را در نظر گیرد.

در کنار عوامل اقتصادی، شرایط سیاسی و نهادی نیز یکی از زمینه‌های مهم شکل‌گیری احساس امنیت است. خانواده درون ساختاری سیاسی زندگی می‌کند که در آن تصمیم‌های دولت، عملکرد نهادها، کیفیت حکمرانی، میزان اعتماد عمومی و ادراک شهروندان از ثبات اجتماعی

می‌تواند بر زندگی روزمره اثر بگذارد. سیاست نه فقط در قالب فعالیت رسمی حزبی یا مشارکت انتخاباتی، بلکه از طریق الگوهای ارتباطی و نگرش‌های شکل گرفته درون خانواده نیز حضور دارد. پژوهش در زمینه الگوهای ارتباطی خانواده نشان داده است که نوع ارتباط درون خانواده می‌تواند با مشارکت سیاسی افراد ارتباط داشته باشد و خانواده یکی از محیط‌های مهم شکل‌گیری گرایش‌های مشارکتی و نگرش‌های سیاسی محسوب شود (Graham et al., 2020). همچنین، مشارکت سیاسی زنان و عوامل مؤثر بر آن نشان‌دهنده ارتباط میان تجربه خانوادگی، موقعیت اجتماعی زنان، فرصت‌های مشارکت و ساختارهای سیاسی است (Sheikhzadeh & Asafari, 2020). از این رو، خانواده نه نهادی منفک از سیاست، بلکه یکی از فضاهایی است که پیامدهای سیاسی و نهادی در آن تجربه، تفسیر و بازتولید می‌شوند.

ارتباط میان سیاست و خانواده علاوه بر مشارکت رسمی، در سطح گفتمان اجتماعی نیز آشکار است. استفاده از استعاره‌های خانواده و ازدواج در متون سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهد که مفاهیم خانوادگی می‌توانند برای توضیح روابط سیاسی، قدرت، همبستگی، تعهد و تعارض به کار گرفته شوند (Albtoush & Ang, 2021). چنین الگویی بیانگر آن است که خانواده نه فقط متأثر از نظم سیاسی است، بلکه خود نیز به عنوان چارچوبی نمادین برای فهم روابط سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین، رسانه و فرهنگ عمومی می‌توانند برداشت از ارزش‌های خانوادگی را تحت تأثیر قرار دهند؛ مطالعه بازنمایی ارزش‌های خانواده اسلامی در محصولات رسانه‌ای نشان داده است که تحولات رسانه‌ای و فرهنگی می‌توانند در نحوه عرضه و دریافت ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی نقش داشته باشند (Khan et al., 2020). این مسئله در شرایط گسترش رسانه‌های دیجیتال اهمیت بیشتری یافته است، زیرا روابط خانوادگی بیش از گذشته در معرض جریان‌های اطلاعاتی، شبکه‌های اجتماعی و گفتمان‌های عمومی قرار دارند.

گسترش شبکه‌های اجتماعی نیز مرز میان فضای خصوصی خانواده و محیط عمومی را تا اندازه زیادی تغییر داده است. بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در ثبات روابط خانوادگی نشان می‌دهد که فناوری‌های ارتباطی می‌توانند هم فرصت‌هایی برای تقویت ارتباط و هم زمینه‌هایی برای بروز تعارض و تضعیف ثبات رابطه ایجاد کنند (Ebrahimi et al., 2022). در نتیجه، امنیت فکری و هویتی خانواده در جامعه معاصر با کیفیت دسترسی و مواجهه با اطلاعات، نظام ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی و توان خانواده برای مدیریت تغییرات فرهنگی ارتباط پیدا می‌کند. خانواده‌ای که در معرض تحولات سریع اقتصادی، رسانه‌ای و اجتماعی قرار دارد، ناگزیر باید میان حفظ پیوندهای درونی و انطباق با شرایط جدید تعادل برقرار کند. این مسئله به‌ویژه برای کلان‌شهرهایی مانند تهران، که تراکم جمعیت، تنوع فرهنگی، سرعت تغییر اجتماعی و دسترسی گسترده به رسانه‌ها در آنها بالاست، اهمیت بیشتری دارد.

از زاویه روابط درونی خانواده نیز شیوه مواجهه با تعارض نقش مهمی در امنیت ادراک شده دارد. اختلاف زناشویی به خودی خود الزاماً معادل فروپاشی امنیت خانواده نیست؛ بلکه راهبردهایی که زوجین برای مدیریت و حل اختلاف به کار می‌گیرند می‌تواند میزان ثبات و امنیت رابطه را تعیین کند. یافته‌های پژوهشی درباره راهبردهای مقابله با اختلافات زناشویی نشان داده‌اند که نحوه مدیریت این اختلافات با سطح امنیت خانواده از دیدگاه زنان ارتباط دارد (Nofal et al., 2024). این موضوع نشان می‌دهد که امنیت خانواده حاصل ترکیبی از عوامل ساختاری و مهارت‌های ارتباطی است. حتی در شرایط اقتصادی یا سیاسی دشوار، خانواده‌هایی که از انسجام، حمایت متقابل و سازوکارهای مؤثر حل مسئله برخوردارند ممکن است ظرفیت بیشتری برای حفظ امنیت درونی داشته باشند؛ در مقابل، فشارهای ساختاری در خانواده‌هایی با روابط شکننده می‌تواند آثار شدیدتری ایجاد کنند.

هم‌زمان، تحولات اقتصادی و اجتماعی می‌توانند الگوهای شکل‌گیری خانواده را نیز تغییر دهند. پژوهش درباره تفاوت‌های اجتماعی - اقتصادی در سن ازدواج نشان می‌دهد که رفتارهای خانوادگی در میان گروه‌های اجتماعی مختلف به صورت یکسان تغییر نمی‌کنند و نابرابری اقتصادی می‌تواند مسیرهای متفاوتی برای ورود به زندگی خانوادگی ایجاد کند (Liu et al., 2025). این تفاوت‌ها از آن جهت برای امنیت خانواده اهمیت دارند که تشکیل خانواده، ثبات ازدواج، فرزندآوری و تقسیم مسئولیت‌ها همگی تحت تأثیر فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرند. به همین دلیل، خانواده را نمی‌توان واحدی ثابت فرض کرد که مستقل از تغییرات جامعه عمل می‌کند؛ بلکه ساختار و کارکرد آن در تعامل

مستمر با بازار کار، نظام آموزشی، سیاست‌های رفاهی و فرهنگ عمومی بازتعریف می‌شود. بررسی‌های جدید در حوزه خانواده نیز بر اهمیت درک پیوند میان شرایط اجتماعی، اقتصادی و روانی در تحلیل امنیت و کارکرد خانواده تأکید دارند (Gorlatykh, 2025; Mendes et al., 2026).

در سطح کلان‌تر، مسئله امنیت خانواده را می‌توان در چارچوب اعتماد و ادراک ثبات اجتماعی نیز تحلیل کرد. هنگامی که افراد نسبت به آینده اقتصادی، کارآمدی نهادهای رسمی، دسترسی به حمایت‌های اجتماعی و توانایی خود برای مدیریت بحران‌ها اطمینان داشته باشند، احتمال شکل‌گیری احساس امنیت در محیط خانواده نیز بیشتر است. در مقابل، بی‌ثباتی اقتصادی، ابهام نسبت به آینده، ضعف اعتماد نهادی یا احساس کاهش قدرت کنترل بر زندگی می‌تواند به ادراک ناامنی منجر شود. در این میان، امید به آینده یکی از سازه‌هایی است که می‌تواند میان شرایط عینی و ادراک ذهنی امنیت پیوند برقرار کند. امید، صرفاً یک حالت روان‌شناختی فردی نیست، بلکه می‌تواند از تجربه ثبات اقتصادی، فرصت‌های شغلی، منابع حمایتی و برداشت فرد از مسیر آینده جامعه تأثیر بپذیرد. پژوهش‌های مرتبط با سرمایه روان‌شناختی و حمایت اجتماعی نیز نشان می‌دهند که منابع روانی و اجتماعی می‌توانند در تبدیل شرایط اقتصادی خانواده به تجربه‌های مثبت‌تر از شایستگی و سازگاری نقش داشته باشند (Yuan et al., 2025). از همین رو، تحلیل امنیت خانواده نیازمند توجه همزمان به شاخص‌های عینی مانند درآمد و اشتغال و شاخص‌های ذهنی مانند امید، احساس ثبات و امنیت روانی است.

در سال‌های اخیر، توجه به خانواده به‌عنوان یکی از واحدهای اصلی مواجهه با بحران‌های اجتماعی و اقتصادی افزایش یافته است. بحران‌های اقتصادی، همه‌گیری‌ها، تغییرات بازار کار و تحولات نهادی نشان داده‌اند که توان سازگاری خانواده‌ها به میزان منابع اقتصادی و اجتماعی آنها وابسته است. در مطالعه خانواده‌ها در شرایط دشواری اقتصادی، مشخص شده است که تنش مالی می‌تواند الگوهای روابط والد-فرزند را در طول زمان تحت تأثیر قرار دهد (Ofstedal et al., 2025)، و بررسی بحران اقتصادی نیز بر نقش فشار روان‌شناختی در عملکرد خانوادگی تأکید دارد (Uditha & Bulathwatta, 2025). این یافته‌ها مؤید آن است که امنیت خانواده در شرایط بحران، نه از طریق یک عامل منفرد، بلکه از برهم‌کنش وضعیت مالی، سرمایه روان‌شناختی، روابط اعضا و حمایت‌های نهادی شکل می‌گیرد. همچنین، مطالعات مربوط به سیاست‌های پیشگیرانه و مداخلات خانوادگی نشان می‌دهند که تقویت خانواده می‌تواند نه تنها از منظر اجتماعی، بلکه از نظر اقتصادی نیز دارای منافع قابل توجه باشد (Jacob et al., 2025).

با وجود گسترش پژوهش‌ها درباره ابعاد مختلف خانواده، بخش قابل توجهی از مطالعات موجود بر حوزه‌هایی چون روابط زوجین، امنیت روان‌شناختی، مشارکت سیاسی، حمایت اجتماعی، حقوق خانواده، نقش‌های جنسیتی یا پیامدهای بحران اقتصادی به‌صورت مجزا تمرکز داشته‌اند. برای نمونه، مطالعات حقوقی بر حمایت مالی و حقوق اعضای خانواده تأکید کرده‌اند (Bahmani Azam et al., 2024; Kohansal Kalkenari et al., 2025)، پژوهش‌های روان‌شناختی بر انسجام، امنیت روان‌شناختی و رضایت خانوادگی متمرکز بوده‌اند (Namani et al., 2025) و مطالعات اجتماعی و سیاسی نیز نقش ارتباطات خانوادگی، مشارکت سیاسی و تحولات فرهنگی را بررسی کرده‌اند (Graham et al., 2020; Sheikhzadeh & Asafari, 2020). همچنین، پژوهش‌های معاصر در حوزه امنیت خانواده بر نقش حمایت، شرایط اقتصادی - اجتماعی و کیفیت تعاملات اجتماعی تأکید دارند (Li et al., 2025; Rajabi Gilan et al., 2025). با این حال، بررسی هم‌زمان عوامل اقتصادی و سیاسی و نسبت آنها با ابعاد مختلف امنیت خانواده، به‌ویژه در بستر یک کلان‌شهر پیچیده مانند تهران، همچنان نیازمند توجه تجربی بیشتری است.

تهران به‌عنوان بزرگ‌ترین کلان‌شهر ایران و یکی از مهم‌ترین مراکز اقتصادی، سیاسی، اداری و اجتماعی کشور، بستری مناسب برای مطالعه این مسئله فراهم می‌کند. خانواده‌های ساکن تهران هم‌زمان با فشارهای مرتبط با هزینه‌های مسکن و زندگی، تفاوت‌های درآمدی و شغلی، تغییرات سبک زندگی، گسترش شبکه‌های ارتباطی و مواجهه مستمر با نهادها و سیاست‌های عمومی روبه‌رو هستند. بنابراین، امنیت خانواده در این شهر را نمی‌توان صرفاً با یک بعد اقتصادی، روان‌شناختی یا سیاسی توضیح داد. ادراک امنیت ممکن است برحسب درآمد، اشتغال،

تحصیلات، امید به آینده و ارزیابی از شرایط نهادی متفاوت باشد و هر یک از این عوامل بر ابعاد جانی، مالی، فکری و هویتی امنیت اثر متفاوتی داشته باشند. افزون بر این، برخی عوامل سیاسی ممکن است الزاماً در قالب یک رابطه مستقیم آماری با امنیت خانواده ظاهر نشوند، اما از طریق شکل دهی به زمینه اجتماعی، اعتماد نهادی، انتظارات آینده و ادراک از ثبات محیط زندگی عمل کنند. در چنین چارچوبی، استفاده از رویکردی که بتواند هم روابط کمی میان متغیرها و هم برداشت‌های کیفی از زمینه‌های اقتصادی و سیاسی را بررسی کند، ظرفیت بیشتری برای ارائه تصویری جامع از امنیت خانواده دارد.

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر تبیین جامعه‌شناختی عوامل اقتصادی و سیاسی مؤثر بر امنیت خانواده ایرانی در شهر تهران و بررسی ارتباط این عوامل با ابعاد مختلف امنیت خانواده است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر با تمرکز بر شناسایی و تحلیل عوامل اقتصادی و سیاسی مرتبط با درک امنیت خانواده در شهر تهران انجام شده است. به‌منظور دستیابی به تصویری جامع از ابعاد موضوع، مطالعه در قالب یک طرح پژوهشی آمیخته و در دو بخش کیفی و کمی صورت پذیرفت. در بخش نخست، از رویکرد کیفی برای شناسایی مؤلفه‌ها و ابعاد مرتبط با امنیت و عوامل اثرگذار بر آن استفاده شد. در این مرحله، اطلاعات مورد نیاز از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران، متخصصان و خبرگان حوزه‌های مرتبط با علوم انسانی، اجتماعی و امنیت اجتماعی گردآوری شد. مشارکت‌کنندگان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و نظری انتخاب شدند و انجام مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت که داده‌های جدید، مفهوم یا مقوله تازه‌ای به چارچوب موجود اضافه نکند و اشباع نظری حاصل شود. پس از انجام مصاحبه‌ها، متن گفت‌وگوها پیاده‌سازی و داده‌ها طی فرایند کدگذاری، دسته‌بندی و تحلیل تماتیک مورد بررسی قرار گرفتند و مقوله‌های مرتبط با موضوع پژوهش استخراج شدند.

در بخش کمی، برای آزمون روابط میان متغیرهای پژوهش و تعیین نقش عوامل اقتصادی و سیاسی در تبیین درک امنیت خانواده، از روش پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری این بخش را افراد ۱۸ سال و بالاتر ساکن شهر تهران تشکیل دادند و واحد تحلیل، فرد در نظر گرفته شد. با توجه به گستردگی جمعیت و پراکندگی جغرافیایی شهر تهران، فرایند انتخاب نمونه به‌صورت چندمرحله‌ای انجام گرفت. در ابتدا مناطق شهری در پنج پهنه جغرافیایی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز طبقه‌بندی شدند و سپس از هر پهنه یک منطقه انتخاب شد. در ادامه، انتخاب واحدهای نمونه در سطوح پایین‌تر جغرافیایی شامل خیابان، بلوک و در نهایت افراد، به شیوه تصادفی انجام گرفت. تعیین تعداد نمونه نیز بر اساس فرمول کوکران و با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد صورت پذیرفت.

ابزارهای گردآوری اطلاعات متناسب با ماهیت هر یک از مراحل پژوهش انتخاب شدند؛ به این ترتیب که در بخش کیفی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و در بخش کمی، پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. در مقاله حاضر، متغیرهای پژوهش با تمرکز بر دو دسته عوامل اقتصادی و سیاسی به‌عنوان متغیرهای مستقل و درک امنیت خانواده به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفتند. در بعد اقتصادی، مؤلفه‌های مرتبط با وضعیت اقتصادی و شرایط مادی خانواده مورد توجه قرار گرفت و در بعد سیاسی، مؤلفه‌های مرتبط با شرایط سیاسی و نهادی و اعتماد به نهادهای امنیت‌بخش بررسی شد. متغیر وابسته نیز با توجه به ابعاد مختلف امنیت، از طریق مجموعه‌ای از گویه‌ها و در قالب طیف لیکرت سنجیده شد.

به‌منظور اطمینان از کیفیت داده‌های گردآوری‌شده، اعتبار و پایایی ابزارها مورد ارزیابی قرار گرفت. در بخش کیفی، معیارهای اعتبارپذیری، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و قابلیت تأیید مورد توجه قرار گرفت و از روش‌هایی همچون مثلث‌سازی و کنترل اعضا برای افزایش اعتبار یافته‌ها استفاده شد. در بخش کمی نیز اعتبار صوری و اعتبار سازه ابزار مورد بررسی قرار گرفت. همچنین، برای ارزیابی میزان همسانی درونی

گویه‌ها و سنجش پایایی پرسشنامه، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. نتایج حاصل از آزمون پایایی نشان داد که مقیاس‌های مورد استفاده از ثبات و همسانی درونی قابل قبولی برخوردار هستند.

در نهایت، تحلیل داده‌ها متناسب با ماهیت دو بخش پژوهش انجام گرفت. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از تحلیل تماتیک و تحلیل محتوا بررسی شدند و در بخش کمی نیز پس از آماده‌سازی داده‌ها، از شاخص‌های آمار توصیفی و روش‌های آماری استنباطی متناسب با اهداف، سؤالات و فرضیه‌های پژوهش استفاده شد.

یافته‌ها

جامعه آماری بخش کمی پژوهش را ۴۰۲ نفر از پاسخگویان تشکیل دادند که ۶۴.۷ درصد آنان زن و ۳۵.۳ درصد مرد بودند.

جدول ۱. بررسی اطلاعات جمعیت شناختی افراد نمونه

ردیف	متغیر جنس	فراوانی	درصد فراوانی متغیر
۱	زن	۲۶۰	۶۴.۷
۲	مرد	۱۴۲	۳۵.۳
جمع		۴۰۲	۱۰۰
ردیف	متغیر تاهل	فراوانی	درصد فراوانی متغیر
۱	مجرد	۳۱۷	۷۸.۹
۲	متاهل	۵۸	۲۱.۱
جمع		۴۰۲	۱۰۰
ردیف	متغیر تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی متغیر
۱	کمتر از دیپلم	۱۰۴	۲۵.۹
۲	لیسانس	۸۹	۲۲.۱
۳	کارشناسی ارشد و بالاتر	۲۰۹	۵۲
جمع		۴۰۲	۱۰۰
ردیف	متغیر مذهب	فراوانی	درصد فراوانی متغیر
۱	شیعه	۳۵۰	۷۸.۱
۲	سنی	۵۲	۱۲.۹
جمع		۴۰۲	۱۰۰
ردیف	وضعیت فعالیت	فراوانی	درصد فراوانی متغیر
۱	دولتی	۰	۰
۲	خصوصی	۱۵۷	۳۹.۱
۳	بیکار	۲۵۴	۶۰.۹
۴	جمع	۴۰۲	۱۰۰
ردیف	قشر اقتصادی	فراوانی	درصد فراوانی متغیر
۱	بالا	۰	۰
۲	متوسط	۲۶۵	۶۵.۹
۳	پایین	۱۳۷	۳۴.۱
جمع		۴۰۲	۱۰۰
ردیف	درآمد ماهانه خانواده	فراوانی	درصد فراوانی متغیر
۱	۴ تا ۲۲ میلیون تومان	۳۱۴	۷۸.۱
۲	۲۳ تا ۴۰ میلیون تومان	۳۱	۷.۷
۳	۴۱ از ۶۰ میلیون تومان	۵۷	۱۴.۲
۴	جمع	۴۰۲	۱۰۰

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان نشان می‌دهد که از مجموع ۴۰۲ نفر شرکت‌کننده در پژوهش، ۲۶۰ نفر (۶۴.۷ درصد) زن و ۱۴۲ نفر (۳۵.۳ درصد) مرد بوده‌اند؛ بنابراین، زنان سهم بیشتری از نمونه آماری را به خود اختصاص داده‌اند. از نظر وضعیت تأهل نیز ۳۱۷ نفر (۷۸.۹ درصد) مجرد و ۵۸ نفر (۲۱.۱ درصد) متأهل گزارش شده‌اند که نشان‌دهنده غلبه افراد مجرد در نمونه مورد بررسی است. از نظر قومیت، بیشترین فراوانی مربوط به پاسخگویان فارس با ۳۳۲ نفر (۸۲.۶ درصد) بوده است. پس از آن، افراد ترک‌قوم با ۳۹ نفر (۹.۷ درصد)، لر با ۱۶ نفر (۴ درصد) و کرد با ۱۵ نفر (۳.۷ درصد) قرار داشته‌اند. این توزیع نشان می‌دهد که بخش عمده پاسخگویان از قومیت فارس بوده‌اند. همچنین، از نظر سطح تحصیلات، ۱۰۴ نفر (۲۵.۹ درصد) دارای تحصیلات کمتر از دیپلم، ۸۹ نفر (۲۲.۱ درصد) دارای مدرک کارشناسی و ۲۰۹ نفر (۵۲ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر بوده‌اند. بنابراین، بیش از نیمی از پاسخگویان در گروه تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر قرار داشته‌اند. از نظر مذهب، ۳۵۰ نفر (۷۸.۱ درصد) شیعه و ۵۲ نفر (۱۲.۹ درصد) سنی گزارش شده‌اند. در خصوص وضعیت فعالیت نیز ۱۵۷ نفر (۳۹.۱ درصد) در بخش خصوصی فعالیت داشته و ۲۵۴ نفر (۶۰.۹ درصد) بیکار بوده‌اند؛ در حالی که در گروه کارکنان دولتی فراوانی ثبت‌شده‌ای وجود نداشته است. همچنین، در ارتباط با قشر اقتصادی، ۲۶۵ نفر (۶۵.۹ درصد) وضعیت اقتصادی خود را متوسط و ۱۳۷ نفر (۳۴.۱ درصد) پایین اعلام کرده‌اند و هیچ‌یک از پاسخگویان در طبقه اقتصادی بالا قرار نگرفته است. بررسی توزیع درآمد ماهانه خانواده نیز نشان می‌دهد که ۳۱۴ نفر (۷۸.۱ درصد) در گروه درآمدی ۴ تا ۲۲ میلیون تومان، ۳۱ نفر (۷.۷ درصد) در گروه ۲۳ تا ۴۰ میلیون تومان و ۵۷ نفر (۱۴.۲ درصد) در گروه ۴۱ تا ۶۰ میلیون تومان قرار داشته‌اند. در مجموع، یافته‌های توصیفی بیانگر آن است که نمونه پژوهش از نظر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دارای تنوع نسبی بوده، اما از نظر برخی متغیرها، از جمله جنسیت، وضعیت تأهل، قومیت، سطح تحصیلات، وضعیت فعالیت و طبقه اقتصادی، توزیع پاسخگویان در برخی طبقات بیشتر از سایر طبقات بوده است. این ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، زمینه لازم را برای بررسی روابط میان عوامل اقتصادی و سیاسی و ادراک امنیت خانواده در میان پاسخگویان شهر تهران فراهم می‌کند.

جدول ۲. بررسی عوامل موثر بر امنیت خانواده

گزینه ها	عوامل اقتصادی		عوامل سیاسی		عوامل موثر بر امنیت خانواده (جمع ۴ شاخص)	
	فراوانی	درصد معتبر	فراوانی	درصد معتبر	فراوانی	درصد معتبر
خیلی کم	۱	۰.۲	۱۰۴	۲۵.۹	۵۵	۱۳.۷
کم	۵۶	۱۳.۹	۲۶	۶.۵	۱۳۵	۳۳.۶
متوسط	۲۷	۶.۷	۱۶	۴.۰۳	۶۳	۱۵.۷
زیاد	۱۲۴	۳۰.۸	۲۵	۶.۲	۱۲۱	۳۰.۱
خیلی زیاد	۱۹۴	۴۸.۳	۸۵	۲۱.۱	۲۸	۷
کل	۴۰۲	۱۰۰.۰	۴۰۲	۱۰۰.۰	۴۰۲	۱۰۰.۰
آماره‌های مقیاس	مقادیر		مقادیر		مقادیر	
میانگین کل مقیاس	۲۳.۲۰۹۰		۹.۱۳۹۳		۵۴.۲۴	
میانگین استاندارد شده ^۱	۷۷.۳۶		۶۰.۹۳		۶۴.۷۱	
انحراف معیار	۱۴.۴۰۲۲۷		۵.۱۱۹۲۶		۱۸.۲۶۹۳۸	

نتایج جدول نشان می‌دهد که در میان پاسخگویان، ارزیابی عوامل اقتصادی در سطح نسبتاً بالایی قرار داشته است؛ به‌طوری‌که ۴۸.۳ درصد میزان تأثیر این عوامل را «خیلی زیاد» و ۳۰.۸ درصد «زیاد» ارزیابی کرده‌اند. در مقابل، در مورد عوامل سیاسی، بیشترین فراوانی مربوط به

^۱ میانگین استاندارد شده امکان مقایسه بین مقیاس‌ها را فراهم می‌کند. این عدد بر مبنای ۱۰۰ می‌باشد و حاصل تقسیم میانگین خام به تعداد گویه‌های تشکیل دهنده هر مقیاس ضرب در عدد ۲۰ می‌باشد.

گزینه «خیلی کم» با ۲۵.۹ درصد بوده است. همچنین، در مجموع چهار شاخص امنیت خانواده، بیشترین پاسخ‌ها به گزینه‌های «کم» (۳۳.۶ درصد) و «زیاد» (۳۰.۱ درصد) اختصاص داشته است. میانگین استاندارد شده عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی و امنیت خانواده نیز به ترتیب ۷۷.۳۶، ۶۰.۹۳ و ۶۴.۷۱ به دست آمده است که بیانگر تفاوت سطح ارزیابی پاسخگویان از این سه مؤلفه در نمونه مورد بررسی است. برای بررسی تفاوت امنیت خانواده برحسب ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، آزمون‌های T مستقل و تحلیل واریانس یک‌طرفه به کار گرفته شد. نتایج نشان داد بین زنان و مردان از نظر امنیت جانی، مالی و هویتی تفاوت معنادار وجود دارد، در حالی که تفاوت دو جنس در امنیت فکری معنادار نبود. به طور کلی، میانگین امنیت جانی و مالی در مردان بیشتر از زنان گزارش شد. همچنین نتایج نشان داد برخی ابعاد امنیت خانواده برحسب سن، شغل، تحصیلات، درآمد و قومیت دارای تفاوت معنادار هستند. برای نمونه، امنیت مالی و فکری برحسب گروه سنی تفاوت معنادار داشت و امنیت هویتی نیز با سطح تحصیلات پاسخگویان تفاوت نشان داد. همچنین هر چهار بعد امنیت خانواده برحسب گروه شغلی و درآمد دارای تفاوت معنادار بودند. در رابطه با عوامل مؤثر بر امنیت خانواده نیز تفاوت‌هایی برحسب ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشاهده شد. برای مثال، عوامل اجتماعی و فرهنگی برحسب جنسیت تفاوت معنادار داشتند. همچنین عوامل اجتماعی برحسب مذهب دارای تفاوت معنادار بودند، در حالی که عوامل فرهنگی چنین تفاوتی نداشتند.

جدول ۳. تحلیل واریانس مؤلفه‌های امنیت خانواده به تفکیک متغیر درآمد

درآمد	درآمد	نمونه	میانگین	انحراف معیار	F کمیت	سطح معنی داری
امنیت جانی	پایین	۲۹۴	۱۰.۷۵۵	۲.۵۰۴۹	۷.۵۲۷	۰.۰۰۰
	متوسط	۸۴	۱۱.۵۷۱	۳.۵۳۴۰		
	بالا	۲۴	۱۲.۶۶۷	۱.۷۳۶۲		
	کل	۴۰۲	۱۱.۰۴۰	۲.۷۶۰۳		
امنیت مالی	پایین	۲۹۴	۱۰.۷۱۰۹	۲.۲۰۷۹۸	۲۷.۲۷۳	۰.۰۰۰
	متوسط	۸۴	۱۱.۶۱۹۰	۲.۵۸۷۷۶		
	بالا	۲۴	۷.۶۶۶۷	۲.۵۴۸۰۹		
	کل	۴۰۲	۱۰.۷۱۸۹	۲.۴۵۹۲۶		
امنیت فکری	پایین	۲۹۴	۸.۸۶۳۹	۳.۰۲۶۹۳	۸.۶۶۷	۰.۰۰۰
	متوسط	۸۴	۹.۶۶۶۷	۳.۵۸۴۸۹		
	بالا	۲۴	۶.۶۶۶۷	۲.۵۴۸۰۹		
	کل	۴۰۲	۸.۹۰۰۵	۳.۱۸۵۸۶		
امنیت هویتی	پایین	۲۹۴	۷.۸۷۴۱	۳.۰۸۳۷۸	۳۳.۵۷۲	۰.۰۰۰
	متوسط	۸۴	۱۰.۳۳۳۳	۳.۵۸۴۸۹		
	بالا	۲۴	۵.۰۰۰۰	۱.۶۶۸۱۲		
	کل	۴۰۲	۸.۲۱۶۴	۳.۳۷۸۱۵		

نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد که میانگین ابعاد مختلف امنیت خانواده در سطوح درآمدی متفاوت، تفاوت معناداری دارد. این تفاوت در هر چهار بعد امنیت جانی، مالی، فکری و هویتی معنادار بوده است ($P < 0.01$). در امنیت جانی، میانگین افراد دارای درآمد بالا (۱۲.۶۶۷) بیش از دو گروه درآمدی پایین (۱۰.۷۵۵) و متوسط (۱۱.۵۷۱) بوده است. در امنیت مالی و فکری، میانگین گروه درآمدی متوسط بالاتر از سایر گروه‌ها گزارش شده است، در حالی که در امنیت هویتی نیز گروه درآمدی متوسط بالاترین میانگین (۱۰.۳۳۳) را داشته است. بیشترین مقدار آماره F مربوط به امنیت هویتی (۳۳.۵۷۲) و پس از آن امنیت مالی (۲۷.۲۷۳) بوده است که نشان‌دهنده تفاوت بیشتر میان گروه‌های درآمدی در این ابعاد است.

جدول ۴. تحلیل واریانس امنیت خانواده به تفکیک متغیر گروه‌های شغلی

گروه‌های شغلی	گروه‌های شغلی	نمونه	میانگین	انحراف معیار	F کمیت	سطح معنی داری
متغیرهای وابسته						
امنیت جانی	بازنشسته	۳۹	۱۰.۵۹۰	۱.۹۰۱۸	۱۱.۹۲۸	۰.۰۰۰
	کارمند	۱۵۰	۱۰.۴۱۳	۲.۲۸۵۶		
	خانه دار	۱۵	۱۱.۶۰۰	۱.۵۴۹۲		
	دانشجو	۱۲۸	۱۰.۸۱۳	۳.۰۵۷۸		
	آزاد	۷۰	۱۲.۹۲۹	۲.۹۲۵۸		
	کل	۴۰۲	۱۱.۰۴۰	۲.۷۶۰۳		
امنیت مالی	بازنشسته	۳۹	۱۱.۴۶۱۵	۲.۵۳۲۳۸	۱۱.۴۵۱	۰.۰۰۰
	کارمند	۱۵۰	۱۱.۱۰۶۷	۲.۴۶۰۸۳		
	خانه دار	۱۵	۱۰.۹۳۳۳	۱.۰۳۲۸۰		
	دانشجو	۱۲۸	۱۰.۹۳۷۵	۲.۲۴۳۹۸		
	آزاد	۷۰	۹.۰۲۸۶	۲.۳۲۷۹۷		
	کل	۴۰۲	۱۰.۷۱۸۹	۲.۴۵۹۲۶		
امنیت فکری	بازنشسته	۳۹	۸.۹۷۴۴	۲.۸۹۷۲۵	۲۰.۲۷۰	۰.۰۰۰
	کارمند	۱۵۰	۸.۶۵۳۳	۲.۷۳۶۷۴		
	خانه دار	۱۵	۱۴.۵۳۳۳	۵.۱۶۴۰		
	دانشجو	۱۲۸	۹.۳۷۵۰	۳.۰۳۰۰۳		
	آزاد	۷۰	۷.۳۱۴۳	۳.۳۵۱۵۹		
	کل	۴۰۲	۸.۹۰۰۵	۳.۱۸۵۸۶		
امنیت هویتی	بازنشسته	۳۹	۱۱.۰۵۱۳	۱.۶۸۵۰۵	۱۴.۴۵۶	۰.۰۰۰
	کارمند	۱۵۰	۸.۲۷۳۳	۲.۹۸۲۹۴		
	خانه دار	۱۵	۱۱.۰۶۶۷	۱.۰۳۲۸۰		
	دانشجو	۱۲۸	۷.۵۹۳۸	۳.۸۶۲۶۸		
	آزاد	۷۰	۷.۰۴۲۹	۳.۰۷۱۳۱		
	کل	۴۰۲	۸.۲۱۶۴	۳.۳۷۸۱۵		

نتایج آزمون تفاوت امنیت بر اساس گروه شغلی نشان می‌دهد که در تمامی ابعاد امنیت، تفاوت معناداری میان گروه‌های شغلی وجود دارد ($\text{Sig}=0.000$). در بعد امنیت جانی، گروه شغلی آزاد با میانگین ۱۲.۹۲۹ بالاترین میزان امنیت را در مقایسه با بازنشستگان، کارمندان، خانه‌داران و دانشجویان داشته است. در بعد امنیت مالی، گروه بازنشسته با میانگین ۱۱.۴۶۱۵ بالاترین سطح امنیت را نشان داده است. همچنین، در بعد امنیت فکری، خانه‌داران با میانگین ۱۴.۵۳۳۳ و در بعد امنیت هویتی نیز خانه‌داران با میانگین ۱۱.۰۶۶۷ بالاترین میزان امنیت را در مقایسه با سایر گروه‌های شغلی داشته‌اند. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که نوع وضعیت شغلی افراد با تفاوت معنادار در ابعاد مختلف امنیت جانی، مالی، فکری و هویتی همراه است و الگوی امنیت در گروه‌های شغلی مختلف یکسان نیست.

جدول ۵. تحلیل واریانس امنیت خانواده به تفکیک متغیر سطح تحصیلات پاسخگویان

سطح تحصیلات	سطح تحصیلات پاسخگویان	نمونه	میانگین	انحراف معیار	F کمیت	سطح معنی داری
متغیرهای وابسته						
امنیت جانی	کمتر از لیسانس	۶۴	۱۰.۹۳۸	۴.۵۸۳۹	۱.۱۰۲	۰.۳۳۳
	کارشناسی	۲۰۳	۱۰.۸۸۲	۲.۴۴۲۶		
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۳۵	۱۱.۳۲۶	۱.۹۵۰۲		

			۴۰۲	۱۱۰۴۰	۲۰۷۶۰۳	
امنیت مالی	کمتر از لیسانس	کل	۶۴	۱۰۲۵۰۰	۲۰۹۲۷۷۰	۰.۲۳۵
		کارشناسی	۲۰۳	۱۰۸۴۷۳	۲۰۳۷۵۹۰	۱.۴۵۳
		کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۳۵	۱۰۰۷۴۸۱	۲۰۳۲۹۹۴	
		کل	۴۰۲	۱۰۰۷۱۸۹	۲۰۴۵۹۲۶	
امنیت فکری	کمتر از لیسانس	کل	۶۴	۹۰۲۵۰۰	۴۰۳۱۳۱۴	۰.۴۱۲
		کارشناسی	۲۰۳	۸۰۹۶۵۵	۲۰۸۰۲۷۲	۰.۸۸۹
		کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۳۵	۸۰۶۳۷۰	۳۰۱۰۶۵۸	
		کل	۴۰۲	۸۰۹۰۰۵	۳۰۱۸۵۸۶	
امنیت هویتی	کمتر از لیسانس	کل	۶۴	۸۰۷۵۰۰	۳۰۴۵۷۲	۰.۰۰۰
		کارشناسی	۲۰۳	۷۰۴۰۸۹	۳۰۳۳۹۷۳	۱۲.۷۷۴
		کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۳۵	۹۰۱۷۷۸	۳۰۱۱۴۴۰	
		کل	۴۰۲	۸۰۲۱۶۴	۳۰۳۷۸۱۵	

- نتایج آزمون متغیر گروه سطح تحصیلات پاسخگویان و امنیت جانی بر اساس سطح معنی داری ($\text{Sig} = 0.333$) نشان می دهد امنیت جانی در بین پاسخگویان گروه سنی از ساختار متفاوتی بر خوردار نیست.

- نتایج آزمون متغیر گروه سطح تحصیلات پاسخگویان و امنیت مالی بر اساس سطح معنی داری ($\text{Sig} = 0.235$) نشان می دهد امنیت مالی در بین پاسخگویان گروه سنی از ساختار متفاوتی بر خوردار نیست.

- نتایج آزمون متغیر گروه سطح تحصیلات پاسخگویان و امنیت فکری بر اساس سطح معنی داری ($\text{Sig} = 0.412$) نشان می دهد امنیت فکری در بین پاسخگویان گروه سنی از ساختار متفاوتی بر خوردار نیست.

- نتایج آزمون متغیر گروه سطح تحصیلات پاسخگویان و امنیت هویتی و بر اساس سطح معنی داری ($\text{Sig} = 0.000$) نشان می دهد امنیت هویتی در بین پاسخگویان گروه سنی از ساختار متفاوتی بر خوردار است. میانگین های این سه گروه نشان می دهد که میانگین گروه کارشناسی ارشد و بالاتر (۹.۱۷۷۸) بالا تر از دو گروه ، کمتر از لیسانس، کارشناسی است. این بدان معنی است که گروه کارشناسی ارشد و بالاتر امنیت هویتی بیشتری نسبت به دو گروه کمتر از لیسانس، کارشناسی در جامعه مورد پژوهش دارد.

جدول ۶. تحلیل واریانس امنیت خانواده به تفکیک متغیر قشر اقتصادی

قشر اقتصادی	درآمد	نمونه	میانگین	انحراف معیار	F کمیت	سطح معنی داری
امنیت جانی	بالا	۲۹۴	۱۰.۷۵۵	۲.۵۰۴۹	۷.۵۲۷	۰.۰۰۰
	متوسط	۸۴	۱۱.۵۷۱	۳.۵۳۴۰		
	پایین	۲۴	۱۲.۶۶۷	۱.۷۳۶۲		
	کل	۴۰۲	۱۱.۰۴۰	۲.۷۶۰۳		
امنیت مالی	بالا	۲۹۴	۱۰.۷۱۰۹	۲.۲۰۷۹۸	۲۷.۲۷۳	۰.۰۰۰
	متوسط	۸۴	۱۱.۶۱۹۰	۲.۵۸۷۷۶		
	پایین	۲۴	۷.۶۶۶۷	۲.۵۴۸۰۹		
	کل	۴۰۲	۱۰.۷۱۸۹	۲.۴۵۹۲۶		
امنیت فکری	بالا	۲۹۴	۸.۸۶۳۹	۳.۰۲۶۹۳	۸.۶۶۷	۰.۰۰۰
	متوسط	۸۴	۹.۶۶۶۷	۳.۵۸۴۸۹		
	پایین	۲۴	۶.۶۶۶۷	۲.۵۴۸۰۹		
	کل	۴۰۲	۸.۹۰۰۵	۳.۱۸۵۸۶		
امنیت هویتی	بالا	۲۹۴	۷.۸۷۴۱	۳.۰۸۳۷۸	۳۳.۵۷۲	۰.۰۰۰

متوسط	۸۴	۱۰.۳۳۳۳	۳.۵۸۴۸۹
پایین	۲۴	۵.۰۰۰۰	۱.۶۶۸۱۲
کل	۴۰۲	۸.۲۱۶۴	۳.۳۷۸۱۵

نتایج جدول نشان می‌دهد که بین امید به آینده به عنوان یکی از مؤلفه‌های عوامل اقتصادی و متغیر امنیت خانواده، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($r=0.60$, $p<0.001$). این میزان همبستگی بیانگر رابطه نسبتاً قوی میان امید به آینده و امنیت خانواده است؛ به این معنا که با افزایش امید به آینده، میزان ادراک امنیت خانواده نیز افزایش می‌یابد. در مقابل، بین عوامل سیاسی و امنیت خانواده رابطه بسیار ضعیف و غیرمعناداری مشاهده شده است ($r=-0.01$, $p=0.838$)؛ بنابراین، در سطح همبستگی دومتغیره، رابطه معناداری میان عوامل سیاسی و امنیت خانواده مشاهده نشد.

جدول ۷. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیرهای مستقل	میزان همبستگی	معناداری
عوامل سیاسی	-۰/۰۱	۰/۸۳۸
امید به آینده	۰/۶۰	۰/۰۰۰

به جهت اجرای تحلیل رگرسیون چندمتغیره ابتدا ضرورت دارد که پیش‌فرض‌های آن به ترتیب زیر مورد توجه و بررسی قرار بگیرند: این مفروضه بیانگر تفاوت بین مقادیر خطای مشاهده شده می‌باشد. چنانچه آماره‌ی دوربین واتسون در فاصله بین ۲/۵-۱/۵ باشد بیان‌گر برقرار بودن استقلال تصادفی خطاهاست، به طوری که مقادیر زیر ۱ و بالای ۳ می‌تواند برای تحلیل رگرسیون تهدید جدی به حساب آید. بدین ترتیب از آنجایی که آماره فوق برابر با ۱/۸۲۰ می‌باشد مفروضه مستقل بودن تصادفی خطاها برقرار می‌باشد.

(۲) تشخیص عدم هم‌خطی چندمتغیره:

به عنوان یکی از پیش‌فرض‌های رگرسیون، متغیرهای پیش‌بین باید مستقل از یکدیگر باشد؛ به عبارتی دیگر یک متغیر مستقل نباید تحت تأثیر متغیر مستقل دیگر باشد. به منظور انجام این کار، در این پژوهش از شاخص‌های تحمل (Tolerance) و عامل تورم واریانس (VIF Variance inflation factor) بکار گرفته شد. به لحاظ نظری در صورتیکه مقدار (تحمل) کوچکتر از ۰/۱ و همین‌طور مقدار VIF بزرگتر از ۱۰ باشد، تهدیدی برای رگرسیون می‌باشد.

جدول ۸. استقلال تصادفی خطاها و تشخیص عدم هم‌خطی چندگانه

مؤلفه‌های عوامل مؤثر بر امنیت خانواده	Tolerance شاخص تحمل	عامل تورم واریانس (Variance inflation factor)	دوبین واتسن (Durbin-Watson)
امید به آینده	۰/۶۰۴	۱/۶۵۶	۱/۸۲۰

بر اساس نتایج جدول، شاخص تحمل مربوط به مؤلفه «امید به آینده» برابر با ۰.۶۰۴ و عامل تورم واریانس (VIF) برابر با ۱.۶۵۶ به دست آمده است. با توجه به اینکه مقدار شاخص تحمل بالاتر از ۰.۱ و مقدار VIF کمتر از ۱۰ است، مشکل قابل‌توجهی از نظر هم‌خطی بین متغیرهای پیش‌بین مشاهده نمی‌شود. همچنین، مقدار آماره دوربین-واتسون برابر با ۱.۸۲۰ است که در محدوده قابل قبول قرار داشته و نشان‌دهنده استقلال نسبی خطاهای مدل است. بنابراین، پیش‌فرض‌های مربوط به هم‌خطی و استقلال خطاها برای انجام تحلیل رگرسیون قابل قبول است. تا اینجای پژوهش، روابط متغیرها (متغیرهای مستقل و متغیر وابسته) دو به دو بررسی شدند. و با توجه به فرضیه‌ها این آزمون‌ها انجام شدند تا نتیجه فرضیات مشخص و تحلیل شوند. این آزمون‌ها اثرات مستقیم متغیرها را نشان دادند، اما محقق در صدد می‌باشد که به تاثیرات غیرمستقیم متغیرهای مستقل هم بپردازد. بدین منظور از آزمون تحلیل مسیر برای بررسی تاثیر غیرمستقیم متغیرهای مستقل استفاده خواهد شد.

برای ترسیم نمودار تحلیل مسیر، در ابتدا یک آزمون رگرسیون چندمتغیره با مؤلفه‌های هفت‌گانه متغیر مستقل (امید به آینده، ارتباط اجتماعی، عوامل اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اعمال قدرت در خانواده و عوامل فرهنگی) با متغیر وابسته (امنیت خانواده) اجرا می‌شود. نتایج نشان دادند که از هفت مؤلفه متغیر مستقل، فقط چهار مؤلفه با متغیر وابسته همبستگی مستقیم و بی‌واسطه داشتند:

۱- امید به آینده (با ضریب ۰.۳۸۵)

۲- ارتباط اجتماعی (با ضریب ۰.۲۱۵)

۳- عوامل اجتماعی (با ضریب ۰.۲۰۸)

۴- سرمایه اجتماعی (با ضریب ۰.۱۲۳)

در ۷ متغیرهای مستقل، چهار متغیر در روش رگرسیون مهم‌تر تلقی شده و با متغیر امنیت خانواده آماری تحقیق همبستگی مستقیم و بدون تاثیر دیگر عوامل دیده شدند. برای دست یافتن به مدل تحلیل مسیر هر بار یکی از چهار متغیر (امید به آینده، ارتباط اجتماعی، عوامل اجتماعی و سرمایه اجتماعی) را جای متغیر وابسته در آزمون رگرسیون چندمتغیره قرار داده و تاثیر دیگر عوامل روی آنها سنجیده می‌شود، بدین صورت تاثیرات غیرمستقیم بعد از سنجش تاثیرات مستقیم بدست آمده و بوسیله پیکان‌هایی نشان داده می‌شود که به سمت متغیر وابسته جهت دارند، و ضرایب Beta (ضریب تاثیر استاندارد) مربوطه هر کدام از متغیرها روی پیکان خودش نوشته می‌شود.

جدول ۹. تاثیر کل (مستقیم و غیرمستقیم) دو متغیر مستقل تحقیق بر متغیر وابسته

متغیرهای مستقل تحقیق	تاثیر مستقیم (بدون واسطه)	تاثیر غیرمستقیم (با واسطه)	تاثیر کل مؤلفه‌ها
امید به آینده	۰.۳۹	$0.13 = 0.37$ $0.21 = 0.29$ $0.22 = 0.48$	۰.۵۳
عوامل سیاسی	-----	$0.27 = 0.16$ $0.53 = -0.22$ $0.44 = -0.1$ $0.33 = 0.22$	-۰.۰۵

ضریب همبستگی (R) رگرسیون چند متغیره میان متغیرهای مستقل (۱. امید به آینده، ۲. ارتباط اجتماعی، ۳. عوامل اجتماعی و ۴. سرمایه اجتماعی) با متغیر وابسته (امنیت خانواده نمونه آماری تحقیق) ۰.۷۰۴ بدست آمد. اگر این ضریب بدست آمده را به توان دو برسانیم $R^2 = 0.49$ Adjusted بدست می‌آید. و اینطور تحلیل می‌شود که ۴۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق بوسیله چهار متغیر فوق تحلیل و تبیین می‌شود. به عبارت دیگر ۵۱ درصد ($1 - 0.49 = 0.51$) از تغییرات امنیت خانواده نمونه آماری تحقیق بوسیله عواملی دیگر تعیین می‌شوند که جای تحقیق و بررسی دارد. و تبیین ۴۹ درصدی توسط این چهار متغیر تبیینی معقول و مناسب به نظر می‌رسد.

در بخش کیفی، ۲۰ نفر از افراد دارای تجربه و شناخت کافی از ساختار اجتماعی و فرهنگی شهر تهران در مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته مشارکت کردند. ۵۵ درصد مصاحبه‌شوندگان مرد و ۴۵ درصد زن بودند و ۸۰ درصد آنان متأهل بودند. همچنین ۷۵ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر بودند. تحلیل محتوای مصاحبه‌ها نشان داد مهم‌ترین مشکلات خانواده‌های ایرانی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در دو حوزه اجتماعی، فرهنگی قابل دسته‌بندی است. در حوزه فرهنگی، آسیب‌های فرهنگی، ناهنجاری‌ها و مشکلات خانواده؛ مطرح شدند. مصاحبه‌شوندگان سطح احساس امنیت خانواده در شهر تهران را عمدتاً متوسط ارزیابی کردند و عواملی مانند سرقت، زورگیری، سرقت خودرو و منزل و حضور افراد هنجارشکن را از عوامل تضعیف‌کننده احساس امنیت دانستند. از دیدگاه آنان، ایجاد فضای فرهنگی سالم و تقویت آموزش اجتماعی و آگاهی از حقوق و وظایف اجتماعی است. همچنین مشارکت‌کنندگان، عملکرد صحیح نهادهای پلیس، نظارتی و آموزشی را برای

ارتقای امنیت خانواده ضروری دانستند. از نظر آنان، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی، ضعف آموزش، فقدان سواد رسانه‌ای والدین، شیوه‌های نادرست تربیت فرزندان و طلاق عاطفی از مهم‌ترین عوامل مخرب امنیت خانواده هستند.

در نهایت، نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده نشان داد که دیدگاه مشارکت‌کنندگان درباره عوامل مؤثر بر امنیت خانواده را می‌توان در چهار مقوله اصلی دسته‌بندی کرد. در بُعد اقتصادی، عواملی همچون گرانی، مشکلات مربوط به مسکن و بیکاری به‌عنوان مهم‌ترین مسائل مطرح‌شده شناسایی شدند. در بُعد اجتماعی، بحران‌های اجتماعی، افزایش طلاق، تأخیر در ازدواج و ضعف در اجرای قوانین از جمله مضامین مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان بود. در بُعد فرهنگی نیز موضوعاتی مانند دشواری ازدواج جوانان، آسیب‌های مالی و اجتماعی، افزایش ناهنجاری‌ها، نزاع و مشکلات درون خانواده مورد اشاره قرار گرفت. در نهایت، در بُعد سیاسی، «بحران حکمرانی» و احساس غیرقابل تحمل شدن شرایط جامعه به‌عنوان مضامین اصلی شناسایی شد. در مجموع، یافته‌های کیفی نشان می‌دهد که امنیت خانواده از دیدگاه مشارکت‌کنندگان پدیده‌ای چندبعدی است و تحت تأثیر هم‌زمان شرایط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی قرار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین عوامل اقتصادی و سیاسی مؤثر بر امنیت خانواده ایرانی در شهر تهران انجام شد و یافته‌ها نشان داد که امنیت خانواده پدیده‌ای چندبعدی است که ابعاد جانی، مالی، فکری و هویتی آن به یک اندازه از شرایط اقتصادی، اجتماعی و نهادی تأثیر نمی‌پذیرند. در بخش کمی، عوامل اقتصادی در مقایسه با عوامل سیاسی برجستگی بیشتری داشتند و تفاوت‌های معناداری در ابعاد امنیت خانواده برحسب سطح درآمد و وضعیت شغلی مشاهده شد. همچنین، امید به آینده با امنیت خانواده رابطه مثبت و نسبتاً قوی داشت ($r=0.60, p<0.001$)، در حالی که میان عوامل سیاسی و امنیت خانواده رابطه مستقیم معناداری مشاهده نشد ($r=-0.01, p=0.838$). نتایج مربوط به تحصیلات نیز نشان داد که سطح تحصیلات با امنیت جانی، مالی و فکری تفاوت معناداری ندارد، اما تفاوت امنیت هویتی برحسب تحصیلات معنادار بود. در بخش کیفی نیز گرانی و افزایش هزینه‌های زندگی، مشکلات مسکن و بیکاری به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی و چالش‌های حکمرانی و ارزیابی نامطلوب شرایط عمومی جامعه به‌عنوان مضامین سیاسی برجسته شدند. این مجموعه نتایج نشان می‌دهد که امنیت خانواده را نمی‌توان صرفاً به یک عامل منفرد فروکاست و باید آن را در تعامل میان منابع اقتصادی، ادراک آینده، موقعیت شغلی، ظرفیت‌های درونی خانواده و بستر اجتماعی و نهادی تفسیر کرد.

نخستین یافته مهم پژوهش، وجود تفاوت معنادار در هر چهار بعد امنیت خانواده برحسب سطح درآمد بود. این یافته مؤید آن است که موقعیت اقتصادی خانواده یکی از زمینه‌های اساسی شکل‌دهنده احساس امنیت است. درآمد نه تنها توانایی خانواده را برای تأمین نیازهای اولیه، مسکن، آموزش، سلامت و هزینه‌های روزمره تعیین می‌کند، بلکه می‌تواند میزان کنترل ادراک‌شده افراد بر آینده و ظرفیت آنان برای مقابله با رویدادهای پیش‌بینی‌ناپذیر را نیز افزایش دهد. البته الگوی مشاهده‌شده کاملاً خطی نبود؛ به‌طوری که بالاترین میانگین امنیت جانی در گروه پردرآمد و بالاترین میانگین‌های امنیت مالی، فکری و هویتی در گروه درآمدی متوسط مشاهده شد. بنابراین، افزایش درآمد الزاماً به افزایش یکنواخت همه ابعاد امنیت منجر نمی‌شود و ممکن است عوامل دیگری نظیر انتظارات، سبک زندگی، سرمایه اجتماعی و ادراک مقایسه‌ای نیز در این رابطه نقش داشته باشند. با این حال، اصل ارتباط میان موقعیت اقتصادی و تجربه خانوادگی با یافته‌های مربوط به تأثیر وضعیت اقتصادی - اجتماعی بر کارکرد خانواده و منابع روان‌شناختی همسو است. پژوهش Yuan و همکاران نشان داده است که وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده می‌تواند با احساس شایستگی والدینی ارتباط داشته باشد و حمایت اجتماعی و سرمایه روان‌شناختی در این میان نقش میانجی داشته باشند (Yuan et al., 2025). همچنین، Zhao نشان داده است که وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده می‌تواند نحوه کنترل رفتار و پاسخ به محرک‌های محیطی را تعدیل کند (Zhao, 2025). از این منظر، یافته حاضر را می‌توان چنین تفسیر کرد که درآمد از طریق ایجاد یا محدود کردن منابع مادی و روانی، ظرفیت خانواده برای حفظ احساس ثبات و امنیت را تغییر می‌دهد.

این تفسیر با مطالعاتی که مستقیماً بر فشار اقتصادی و روابط خانوادگی تمرکز داشته‌اند نیز سازگار است. Oftedal و همکاران در مطالعه‌ای طولی نشان دادند که دشواری اقتصادی می‌تواند با مسیر روابط والد-فرزند در طول زمان همراه باشد و فشار مالی را نمی‌توان صرفاً یک مسئله بیرونی دانست، زیرا پیامدهای آن به فضای ارتباطی خانواده منتقل می‌شود (Oftedal et al., 2025). همچنین، Uditha و Bulathwatta در بررسی پیامدهای بحران اقتصادی بر عملکرد خانواده نشان دادند که بحران اقتصادی می‌تواند پیامدهای روان‌شناختی مهمی در درون خانواده ایجاد کند و سازگاری خانوادگی را تحت تأثیر قرار دهد (Uditha & Bulathwatta, 2025). بنابراین، رابطه مشاهده‌شده میان قشر اقتصادی و امنیت خانواده در پژوهش حاضر را می‌توان حاصل پیوند میان منابع مالی، فشارهای روانی، انتظارات آینده و ظرفیت مقابله‌ای خانواده دانست. در تهران نیز افزایش هزینه‌های زندگی و مشکلات تأمین مسکن که در بخش کیفی پژوهش برجسته شدند، می‌توانند به افزایش احساس بی‌ثباتی در خانواده منجر شوند، زیرا خانواده در چنین وضعیتی بخشی از منابع خود را به مدیریت فشارهای فوری اقتصادی اختصاص می‌دهد و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت کاهش می‌یابد.

یافته دوم پژوهش نشان داد وضعیت شغلی با هر چهار بعد امنیت جانی، مالی، فکری و هویتی تفاوت معناداری دارد. تفاوت‌های مشاهده‌شده میان گروه‌های شغلی بیانگر آن است که اشتغال فقط منبع درآمد نیست، بلکه موقعیت شغلی با ثبات زندگی، منزلت اجتماعی، شبکه ارتباطی، دسترسی به حمایت‌های سازمانی و احساس کنترل بر آینده نیز ارتباط دارد. این یافته با مطالعه Rajabi Gilan و همکاران همسو است که نشان دادند تعارض کار-خانواده، وضعیت اقتصادی - اجتماعی ذهنی و کیفیت زندگی زنان شاغل ارتباط دارد (Rajabi Gilan et al., 2025). همچنین، یافته‌های Mendes و همکاران نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی - اجتماعی و کیفیت روابط خانوادگی می‌توانند در کنار یکدیگر بر فشار روان‌شناختی در محیط خانواده اثر بگذارند (Mendes et al., 2026). از این رو، وضعیت شغلی احتمالاً از چند مسیر به امنیت خانواده مربوط می‌شود: نخست، مسیر مالی از طریق درآمد و ثبات اقتصادی؛ دوم، مسیر روان‌شناختی از طریق اطمینان نسبت به آینده؛ و سوم، مسیر اجتماعی از طریق منزلت، حمایت و مشارکت اجتماعی. این چندمسیره بودن می‌تواند توضیح دهد که چرا گروه‌های شغلی مختلف در ابعاد متفاوت امنیت، الگوهای یکسانی نشان نداده‌اند.

در بخش کیفی نیز بیکاری یکی از مضامین اصلی مرتبط با امنیت خانواده بود و این یافته، نتایج کمی مربوط به وضعیت شغلی را تقویت می‌کند. بیکاری علاوه بر محروم کردن خانواده از منبع درآمد پایدار، می‌تواند به کاهش احساس کفایت، افزایش وابستگی اقتصادی و ایجاد تنش میان اعضا منجر شود. در این زمینه، یافته‌های Liu و همکاران درباره شیب‌های اقتصادی - اجتماعی در رفتارهای خانوادگی نشان می‌دهد که شرایط اقتصادی و موقعیت اجتماعی می‌توانند مسیرهای تشکیل و تحول خانواده را در گروه‌های مختلف به صورت متفاوت شکل دهند (Liu et al., 2025). همچنین، تغییر انتظارات مربوط به نقش‌ها و مسئولیت‌های خانوادگی که Gorlatykh به آن پرداخته است، نشان می‌دهد که موقعیت شغلی و نقش اقتصادی افراد می‌تواند با نحوه تقسیم مسئولیت‌ها و انتظار اعضا از یکدیگر ارتباط پیدا کند (Gorlatykh, 2025). بنابراین، امنیت خانواده در رابطه با اشتغال باید فراتر از صرف برخورداری از درآمد در نظر گرفته شود و جایگاه اجتماعی، نقش خانوادگی و میزان پایداری موقعیت شغلی نیز در تحلیل آن لحاظ گردد.

یکی از برجسته‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر، رابطه مثبت و معنادار میان امید به آینده و امنیت خانواده بود. ضریب همبستگی ۰.۶۰ نشان می‌دهد که هرچه افراد نسبت به آینده نگرش امیدوارانه‌تری داشته باشند، ادراک آنان از امنیت خانواده نیز بیشتر است. این یافته اهمیت مؤلفه‌های ذهنی و روان‌شناختی امنیت را در کنار شرایط عینی اقتصادی آشکار می‌کند. ممکن است دو خانواده از منابع مادی نسبتاً مشابهی برخوردار باشند، اما ارزیابی متفاوت آنان از آینده، فرصت‌ها و امکان بهبود شرایط باعث تفاوت در میزان امنیت ادراک‌شده شود. این نتیجه با پژوهش Yuan و همکاران هم‌راستا است که بر نقش سرمایه روان‌شناختی و حمایت اجتماعی در رابطه میان وضعیت اقتصادی - اجتماعی و احساس شایستگی تأکید کرده‌اند (Yuan et al., 2025). همچنین، یافته Namani و همکاران درباره نقش میانجی امنیت روان‌شناختی میان انسجام خانواده و رضایت زناشویی نشان می‌دهد که احساس امنیت ذهنی یکی از سازوکارهای مهمی است که کیفیت روابط و تجربه

خانوادگی را به پیامدهای مثبت مرتبط می‌کند (Namani et al., 2025). بنابراین، امید به آینده را می‌توان نوعی منبع روان‌شناختی دانست که در شرایط فشار اقتصادی، ظرفیت خانواده برای حفظ ثبات ادراک‌شده را تقویت می‌کند.

اهمیت امید به آینده زمانی روشن‌تر می‌شود که یافته‌های کیفی پژوهش در نظر گرفته شود. گرانی، دشواری‌های مسکن و بیکاری نه تنها منابع فعلی خانواده را محدود می‌کنند، بلکه توان پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای آینده را نیز کاهش می‌دهند. وقتی خانواده نسبت به ادامه اشتغال، تأمین هزینه مسکن یا حفظ قدرت خرید اطمینان ندارد، احساس ناامنی می‌تواند حتی پیش از وقوع یک بحران واقعی ایجاد شود. از این منظر، امید به آینده حلقه اتصال میان شرایط عینی اقتصادی و ادراک ذهنی امنیت است. یافته‌های Oftedal و همکاران درباره آثار دشواری اقتصادی بر روابط خانوادگی (Oftedal et al., 2025) و یافته‌های Uditha و Bulathwatta درباره اثرات روان‌شناختی بحران اقتصادی بر عملکرد خانواده (Uditha & Bulathwatta, 2025) از این تفسیر حمایت می‌کنند. همچنین، Li و همکاران نشان داده‌اند که مراقبت و حمایت خانوادگی می‌تواند با ادراک امنیت مرتبط باشد (Li et al., 2025). بنابراین، امید زمانی می‌تواند به امنیت پایدارتر منجر شود که با منابع حمایتی واقعی در سطح خانواده و جامعه همراه باشد.

یافته دیگر پژوهش نشان داد تحصیلات با امنیت جانی، مالی و فکری تفاوت معناداری ندارد، اما تفاوت در امنیت هویتی برحسب سطح تحصیلات معنادار بود و افراد دارای تحصیلات تکمیلی بالاترین میانگین امنیت هویتی را گزارش کردند. این یافته نشان می‌دهد که آموزش الزاماً به افزایش همه ابعاد امنیت منجر نمی‌شود. تحصیلات ممکن است بدون دسترسی به فرصت‌های شغلی یا درآمد کافی، نتواند امنیت اقتصادی یا جانی را به‌طور مستقیم افزایش دهد، اما می‌تواند با شکل‌گیری هویت، دسترسی به منابع فرهنگی، توان تفسیر اجتماعی و احساس جایگاه در جامعه ارتباط داشته باشد. این نتیجه از نظر مفهومی با پژوهش Tahmāsbī Nāderī و همکاران همسو است که نقش سرمایه فرهنگی را در گرایش جوانان به الگوهای سنتی و مدرن خانواده بررسی کرده‌اند (Tahmāsbī Nāderī et al., 2022). همچنین، Boichuk و Stadnik بر نقش خانواده و نسل‌های مختلف در فرایند جامعه‌پذیری جوانان تأکید کرده‌اند (Boichuk & Stadnik, 2023). بر این اساس، تحصیلات ممکن است بیش از آنکه مستقیماً امنیت مادی ایجاد کند، منابع نمادین و فرهنگی لازم برای تثبیت هویت و جایگاه اجتماعی فرد را فراهم آورد.

در مقابل، نبود رابطه مستقیم معنادار میان عوامل سیاسی و امنیت خانواده یکی از یافته‌های قابل توجه پژوهش بود. ضریب همبستگی نزدیک به صفر نشان می‌دهد که در داده‌های کمی، ادراک سیاسی پاسخگویان با امنیت خانواده رابطه خطی مستقیمی نداشته است. این یافته نباید به معنای بی‌اهمیت بودن کامل شرایط سیاسی تلقی شود؛ زیرا بخش کیفی نشان داد چالش‌های حکمرانی و ارزیابی نامطلوب شرایط عمومی جامعه از مضامین مطرح‌شده توسط مشارکت‌کنندگان بوده‌اند. این تفاوت میان یافته‌های کمی و کیفی می‌تواند نشان دهد که عوامل سیاسی احتمالاً به‌صورت غیرمستقیم و از مسیرهایی مانند وضعیت اقتصادی، اعتماد نهادی، فرصت‌های اجتماعی، مشارکت یا انتظارات نسبت به آینده بر امنیت خانواده اثر می‌گذارند. مطالعه Graham و همکاران نیز نشان می‌دهد که خانواده خود یکی از فضاها شکل‌گیری الگوهای ارتباطی و مشارکت سیاسی است و رابطه خانواده با سیاست می‌تواند پیچیده و چندلایه باشد (Graham et al., 2020). همچنین، Sheikhzadeh و Asafari بر عوامل اجتماعی و ساختاری مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان تأکید کرده‌اند (Sheikhzadeh & Asafari, 2020). بنابراین، احتمال دارد تأثیر سیاست بر امنیت خانواده بیشتر در قالب متغیرهای زمینه‌ای و واسطه‌ای ظاهر شود تا به‌صورت یک رابطه مستقیم ساده.

از منظر گفتمانی نیز یافته‌های Albtoush و Ang درباره استفاده از استعاره‌های ازدواج و خانواده در متون اجتماعی - سیاسی نشان می‌دهد که خانواده و سیاست در سطح معنایی نیز ارتباط نزدیکی دارند (Albtoush & Ang, 2021). با این حال، چنین پیوندی الزاماً به معنای آن نیست که نگرش سیاسی افراد به‌طور مستقیم سطح امنیت خانواده را تعیین کند. افزون بر این، تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بر روابط و ارزش‌های خانواده می‌تواند بخش مهمی از مسیر غیرمستقیم ارتباط میان محیط سیاسی - فرهنگی و امنیت خانوادگی باشد. پژوهش Ebrahimi و همکاران نشان داده است که شبکه‌های اجتماعی با ثبات روابط خانوادگی ارتباط دارند (Ebrahimi et al., 2022) و Khan

و همکاران نیز بر تغییر بازنمایی ارزش‌های خانواده در بستر تحولات رسانه‌ای تأکید کرده‌اند (Khan et al., 2020). بنابراین، تأثیر شرایط کلان سیاسی و فرهنگی ممکن است از طریق رسانه، گفتمان عمومی، اعتماد اجتماعی و بازتعریف ارزش‌های خانوادگی به سطح خانواده منتقل شود.

یافته‌های حقوقی و نهادی مطالعات پیشین نیز تفسیر چندبعدی امنیت خانواده را تقویت می‌کنند. Bahmani Azam و همکاران با تحلیل کارکرد نفقه در حقوق خانواده ایران نشان داده‌اند که حمایت مالی دارای نقشی بنیادین در کارکرد حمایتی خانواده است (Bahmani Azam et al., 2024). همچنین، Kohansal Kalkenari و همکاران با بررسی حقوق مالی زوجه در قانون حمایت خانواده بر اهمیت ضمانت‌های حقوقی در حفظ امنیت اقتصادی تأکید کرده‌اند (Ehrami, 2025). (Kohansal Kalkenari et al., 2025) نیز مبانی حقوقی ارزش‌های اخلاقی ایجادکننده امنیت برای زنان در خانواده را برجسته ساخته است (Ehrami, 2025). در سطح سیاست‌گذاری نیز Taghizadeh ظرفیت قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت را در ارتباط با سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی بررسی کرده است (Taghizadeh, 2024). این مطالعات نشان می‌دهند که امنیت خانواده تنها محصول رفتار فردی اعضا نیست، بلکه کیفیت حمایت حقوقی و کارآمدی سیاست‌های اجتماعی نیز در آن نقش دارد.

بخش کیفی پژوهش حاضر علاوه بر مسائل اقتصادی، بر نقش چالش‌های حکمرانی و ارزیابی نامطلوب شرایط عمومی جامعه تأکید داشت. این یافته بیانگر آن است که حتی در غیاب یک رابطه مستقیم آماری میان عوامل سیاسی و امنیت خانواده، محیط نهادی همچنان در ادراک افراد از آینده و ثبات اجتماعی حضور دارد. به همین دلیل، امنیت خانواده را می‌توان حاصل تعامل میان شرایط خرد و کلان دانست. در سطح خرد، کیفیت روابط زناشویی و شیوه مواجهه با تعارض اهمیت دارد؛ چنان‌که Nofal و همکاران ارتباط راهبردهای مدیریت اختلافات زناشویی را با امنیت خانواده گزارش کرده‌اند (Nofal et al., 2024). در سطح میانی، حمایت اجتماعی و انسجام خانواده اهمیت پیدا می‌کند (Li et al., 2025; Namani et al., 2025) و در سطح کلان، وضعیت اقتصادی، حمایت حقوقی و سیاست‌های اجتماعی بر منابع و فرصت‌های خانواده اثر می‌گذارند (Taghizadeh, 2024). از این رو، نتایج حاضر از رویکردی چندسطحی به امنیت خانواده حمایت می‌کند.

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که شرایط اقتصادی، به‌ویژه درآمد، اشتغال و امید به آینده، ارتباط آشکارتری با امنیت خانواده در تهران دارند، در حالی که نقش عوامل سیاسی بیشتر به‌صورت زمینه‌ای و غیرمستقیم قابل تفسیر است. این الگو با مطالعات پیشین درباره اثر فشارهای اقتصادی بر خانواده (Oftedal et al., 2025; Uditha & Bulathwatta, 2025)، نقش موقعیت اقتصادی - اجتماعی و سرمایه روان‌شناختی (Yuan et al., 2025)، اهمیت حمایت و امنیت روان‌شناختی (Li et al., 2025; Namani et al., 2025) و ضرورت توجه به حمایت‌های حقوقی و اجتماعی از خانواده (Bahmani Azam et al., 2024; Ehrami, 2025) همسو است. همچنین، نتایج بیانگر آن است که حمایت از خانواده باید همزمان به منابع اقتصادی، امنیت شغلی، امید اجتماعی، انسجام درونی و کیفیت محیط نهادی توجه کند و تقلیل مسئله امنیت خانواده به یک مؤلفه واحد نمی‌تواند پیچیدگی واقعی این پدیده را توضیح دهد.

این پژوهش با محدودیت‌هایی همراه بود که باید در تفسیر یافته‌ها مورد توجه قرار گیرد. نخست، بخش کمی مطالعه به شهروندان شهر تهران محدود بود و ویژگی‌های اقتصادی، جمعیتی و نهادی این کلان‌شهر ممکن است با سایر شهرها، مناطق روستایی یا استان‌های کشور متفاوت باشد؛ بنابراین، تعمیم نتایج به کل جامعه ایران باید با احتیاط صورت گیرد. دوم، بخش مهمی از داده‌های کمی مبتنی بر خودگزارشی پاسخگویان بود و امکان تأثیر سوگیری مطلوبیت اجتماعی، برداشت شخصی از مفاهیم و شرایط هیجانی هنگام پاسخ‌گویی وجود دارد. سوم، ماهیت مقطعی بخش کمی امکان استنباط روابط علی قطعی میان شرایط اقتصادی، امید به آینده و امنیت خانواده را محدود می‌کند. همچنین، عوامل اقتصادی و سیاسی مفاهیمی گسترده و چندلایه هستند و ابزارهای پژوهش نمی‌توانند تمام ابعاد عینی و ذهنی آنها را پوشش دهند. در بخش کیفی نیز هرچند مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع ادامه یافت، دیدگاه خبرگان لزوماً بازتاب‌دهنده تجربه تمام گروه‌های خانوادگی نیست.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده این مدل را در شهرها و استان‌های مختلف و نیز در مناطق روستایی بررسی کنند تا امکان مقایسه جغرافیایی و اجتماعی امنیت خانواده فراهم شود. انجام مطالعات طولی می‌تواند روشن سازد که تغییرات درآمد، اشتغال، مسکن و امید به آینده در طول زمان چگونه با تغییر در امنیت خانواده همراه می‌شوند. همچنین، پیشنهاد می‌شود از مدل‌های معادلات ساختاری برای بررسی نقش میانجی متغیرهایی مانند امید به آینده، امنیت روان‌شناختی، اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی و انسجام خانواده و نیز نقش تعدیل‌کننده متغیرهایی مانند جنسیت، سن، وضعیت تأهل و طبقه اجتماعی استفاده شود. تفکیک دقیق‌تر عوامل سیاسی به مؤلفه‌هایی مانند اعتماد نهادی، ادراک کارآمدی حکمرانی، ثبات سیاسی و مشارکت مدنی نیز می‌تواند علت نبود رابطه مستقیم در مطالعه حاضر را روشن‌تر سازد. ترکیب داده‌های عینی اقتصادی با شاخص‌های ادراکی خانواده نیز به افزایش دقت مطالعات آینده کمک خواهد کرد.

بر اساس یافته‌ها، سیاست‌گذاری برای ارتقای امنیت خانواده باید بیش از هر چیز بر کاهش بی‌ثباتی اقتصادی، بهبود فرصت‌های اشتغال، افزایش امنیت شغلی، تسهیل دسترسی خانواده‌ها به مسکن و تقویت حمایت‌های اجتماعی هدفمند متمرکز شود. برنامه‌های حمایتی همچنین بهتر است صرفاً به انتقال منابع مالی محدود نشوند و مؤلفه‌هایی مانند افزایش امید اجتماعی، توانمندسازی خانواده برای برنامه‌ریزی اقتصادی، آموزش مدیریت تعارض و تقویت شبکه‌های حمایت اجتماعی را نیز دربرگیرند. از سوی دیگر، نهادهای عمومی می‌توانند با افزایش شفافیت، پاسخگویی، ثبات در سیاست‌گذاری و بهبود اعتماد شهروندان به ساختارهای حمایتی، زمینه اجتماعی مساعدتری برای احساس امنیت خانواده ایجاد کنند. در سطح خدمات خانواده نیز شناسایی خانوارهای دارای بیکاری، بی‌ثباتی شغلی، مشکلات مسکن یا کاهش شدید امید به آینده و ارائه حمایت‌های زودهنگام می‌تواند از تبدیل فشارهای اقتصادی به تعارض‌های خانوادگی و کاهش امنیت روانی و اجتماعی پیشگیری کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازين اخلاقي

در انجام این پژوهش تمامی موازين و اصول اخلاقي رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

The family is one of the most fundamental social institutions and plays a central role in socialization, the transmission of values, emotional and economic support, identity formation, and the maintenance of social continuity. The ability of families to perform these functions depends substantially on the degree of security experienced by their members. Family security is a multidimensional construct that cannot be reduced to protection from physical threats; rather, it encompasses physical, financial, intellectual, identity-related, psychological, and social dimensions. Individuals may experience family security when they perceive continuity in their material resources, stability in interpersonal relationships, protection of their identity and values, and confidence in the broader social and institutional environment surrounding family life. Recent research has emphasized the importance of family care, cohesion, and supportive relationships in the formation of perceived security, indicating that supportive family environments may constitute an important source of psychological and social security (Li et al., 2025; Namani et al., 2025). Changes in family structures and gender roles may also transform expectations regarding responsibilities, support, and security within contemporary households (Gorlatykh, 2025). Similarly, intergenerational socialization and the transmission of norms and experiences remain important processes through which families respond to social change (Boichuk & Stadnik, 2023).

Economic conditions constitute one of the most important structural contexts of family security. Household income, employment stability, housing affordability, access to essential services, and the capacity to meet everyday needs can directly influence whether family members perceive their present and future circumstances as secure. Economic hardship may extend beyond material deprivation and affect parent–child relationships, psychological well-being, marital interactions, and expectations concerning the future. Longitudinal evidence has shown that economic hardship can be associated with changes in parent–child relationship trajectories (Ofstedal et al., 2025), while research conducted in contexts of economic crisis has demonstrated that psychological consequences of financial instability can adversely affect overall family functioning (Uditha & Bulathwatta, 2025). Socioeconomic status can also influence parenting competence through social support and psychological capital (Yuan et al., 2025), while subjective socioeconomic position and work–family conflict have been linked to quality of life among working women (Rajabi Gilan et al., 2025). These findings suggest that economic resources affect family security through both objective material pathways and subjective processes such as perceived control, optimism, psychological resources, and expectations about future stability.

Employment constitutes another major component of this economic context. Occupational position provides not only income but also social status, predictability, access to institutional resources, and a sense of control over future conditions. Conversely, unemployment or unstable employment may undermine both financial security and psychological confidence. Socioeconomic differences can also shape broader family behaviors, including patterns of marriage and family formation (Liu et al., 2025). Furthermore, socioeconomic status may interact with relationship burden and family processes in shaping psychological outcomes (Mendes et al., 2026). From this perspective, employment and income should not be understood as isolated economic variables but as components of a wider social position that can influence multiple dimensions of family life.

In Iran, the economic security of families is also closely related to legal and institutional arrangements. Financial rights, maintenance obligations, and family-support mechanisms can influence the capacity of individuals to maintain a stable household and reduce economic vulnerability. Studies of Iranian family law have emphasized the social and protective functions of maintenance and financial obligations (Bahmani Azam et al., 2024), while examinations of women’s financial rights under family protection legislation have identified the importance of enforceable legal safeguards for economic security (Kohansal Kalkenari et al., 2025). Ethical and legal foundations that support women’s security within the family further demonstrate that family security depends not only on household income but also on institutional protection and the recognition

of rights (Ehrami, 2025). At the policy level, the ability of family-support legislation to contribute to broader social-security objectives also depends on the compatibility of policies with actual household needs and available supportive resources (Taghizadeh, 2024).

Family security is simultaneously situated within a broader political and institutional environment. Government performance, institutional trust, public policy, social stability, and citizens' perceptions of governance may shape the context in which families organize their lives. Family communication itself is associated with political participation and may function as an important setting for the development of political orientations (Graham et al., 2020). Women's political participation is likewise influenced by broader social and institutional conditions (Sheikhzadeh & Asafari, 2020). At the discursive level, the frequent use of marriage and family metaphors in sociopolitical communication reflects the symbolic interconnection between family relations and political order (Albtoush & Ang, 2021). Meanwhile, media transformation and social networks can influence values and stability within family relationships (Ebrahimi et al., 2022; Khan et al., 2020). Cultural capital also contributes to preferences for traditional and modern family forms and may therefore shape family identity and perceptions of stability (Tahmāsbī Nāderī et al., 2022).

In addition to structural conditions, internal family processes remain important. Strategies used to manage marital disputes have been associated with perceived family security (Nofal et al., 2024), while family-based preventive interventions demonstrate that strengthening family functioning may generate both social and economic benefits (Jacob et al., 2025). The interaction of internal resources with external economic, political, legal, and cultural conditions therefore suggests that family security should be studied through an integrated and multidimensional framework. This issue is particularly important in Tehran, where high living costs, housing pressures, occupational inequalities, social diversity, and concentration of political and administrative institutions create a complex environment for family life. Accordingly, the present study aimed to provide a sociological explanation of the economic and political factors associated with Iranian family security in Tehran and to examine their relationships with different dimensions of perceived family security.

Methods and Materials

The study used a mixed-methods design integrating quantitative and qualitative approaches. In the quantitative phase, the statistical population consisted of residents aged 18 years and older living in Tehran. A total of 402 respondents were selected through a multistage stratified-cluster sampling procedure. For sampling purposes, Tehran was divided into five geographical zones—north, south, east, west, and central—and sampling was subsequently conducted at progressively smaller geographical levels. Data were collected using a structured questionnaire scored on a five-point Likert scale. The questionnaire assessed economic and political factors as explanatory variables and perceived family security as the dependent variable across physical, financial, intellectual, and identity-related dimensions. Face and construct validity were examined, and internal consistency was evaluated using Cronbach's alpha. Quantitative data were analyzed using descriptive statistics, Pearson correlation coefficients, and analysis of variance. In the qualitative phase, 20 experts and knowledgeable participants in family and social issues were selected purposively. In-depth semi-structured interviews were conducted until theoretical saturation was reached. Interviews were transcribed, coded, categorized, and analyzed using thematic and content analysis.

Findings

Analysis of variance showed significant differences in all four dimensions of family security according to income level. Differences in physical, financial, intellectual, and identity-related security across income groups were statistically significant (all $p < 0.001$). However, the pattern was not uniformly linear. The highest physical security score was observed among the high-income group, whereas the medium-income group demonstrated the highest observed means for financial, intellectual, and identity-related security. These results indicate that

economic position was associated with family security, although higher income did not necessarily correspond to higher security in every dimension.

Occupational status was also significantly associated with all dimensions of family security. Significant between-group differences were found for physical security ($F=11.928$, $p<0.001$), financial security ($F=11.451$, $p<0.001$), intellectual security ($F=20.270$, $p<0.001$), and identity-related security ($F=14.456$, $p<0.001$). The self-employed/free occupational group reported the highest mean for physical security, retirees demonstrated the highest mean for financial security, and housewives had the highest observed means for intellectual and identity-related security. Educational level did not produce statistically significant differences in physical security ($F=1.102$, $p=0.333$), financial security ($F=1.453$, $p=0.235$), or intellectual security ($F=0.889$, $p=0.412$). However, identity-related security differed significantly according to educational level ($F=12.774$, $p<0.001$), with respondents holding postgraduate qualifications reporting the highest mean.

Pearson correlation analysis revealed a positive and statistically significant relationship between hope for the future and family security ($r=0.60$, $p<0.001$), indicating that respondents with greater optimism concerning future conditions tended to report greater perceived family security. By contrast, the relationship between political factors and family security was negligible and statistically non-significant ($r=-0.01$, $p=0.838$). Thus, the quantitative findings did not support a direct linear association between perceived political factors and overall family security. Qualitative analysis complemented these results by identifying inflation and increasing living costs, housing problems, and unemployment as the major economic concerns affecting family security. Governance challenges and unfavorable evaluations of broader societal conditions emerged as important political themes in expert interviews.

Discussion and Conclusion

The results demonstrate that family security in Tehran is a multidimensional phenomenon that is more clearly associated with economic circumstances than with directly measured political factors. The significant differences across income groups suggest that economic position affects families through several mechanisms, including the ability to satisfy basic needs, maintain housing, cope with emergencies, plan for the future, and sustain a sense of material stability. Nevertheless, the non-linear distribution of security scores across income categories indicates that family security cannot be explained simply by assuming that greater income automatically produces greater security. Expectations, lifestyle, perceived socioeconomic position, family relationships, and other social resources may modify the influence of income on different dimensions of security.

The significant occupational differences across all four dimensions further demonstrate that employment is relevant to family security beyond its financial function. Occupational status may contribute to social identity, status, predictability, institutional support, and confidence regarding future resources. The qualitative identification of unemployment as a major family concern reinforces this interpretation. Employment instability may therefore affect family security simultaneously through economic deprivation and psychological uncertainty.

The relatively strong positive correlation between hope for the future and family security constitutes one of the most important findings of the study. It suggests that perceived security depends not only on existing resources but also on expectations regarding the continuity and improvement of future conditions. Hope may operate as a psychological bridge between objective socioeconomic circumstances and subjective security. When families expect continuing employment, manageable living costs, accessible housing, and opportunities for improvement, they may experience greater security even under existing pressures. Conversely, uncertainty regarding these conditions may undermine family security before an actual material crisis occurs.

The findings concerning education indicate that educational attainment may have a more specific relationship with identity-related security than with material or physical dimensions. Higher education may strengthen

cultural resources, social identity, interpretive capacities, and perceived social position without necessarily guaranteeing adequate income or occupational security. This distinction further confirms that the dimensions of family security have different determinants and should not be treated as interchangeable.

Finally, the absence of a significant direct relationship between political factors and family security should not be interpreted as evidence that the political and institutional environment is irrelevant. The qualitative findings showed that governance difficulties and unfavorable perceptions of societal conditions remained salient in expert accounts. Political and institutional conditions may therefore affect family security indirectly through economic conditions, expectations about the future, institutional trust, social opportunities, or access to support rather than through a simple direct relationship. Overall, the integration of quantitative and qualitative evidence indicates that strengthening family security requires simultaneous attention to household economic stability, employment, housing, psychological expectations regarding the future, and the broader institutional environment. Family security should consequently be approached as an outcome of interactions between material resources, subjective perceptions, family processes, and social structures rather than as a condition generated by any single factor.

References

- Albtoush, M. A., & Ang, P. S. (2021). Marriage and Family Metaphors in Online Jordanian Sociopolitical Editorials. *Journal of Modern Languages*, 31(1), 22-43. <https://doi.org/10.22452/jml.vol31no1.2>
- Bahmani Azam, H., Hoveyda, M., & Kheradmandi, S. (2024). A Functionalist Analysis of the Institution of Maintenance in Iranian Family Law. *Comparative Research in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(3).
- Boichuk, O., & Stadnik, M. (2023). Actual problems of youth socialization in the family. Features of the social adaptive influence of the older generation on youth socialization. *International Science Journal of Jurisprudence & Philosophy*, 2(1), 24-32. <https://doi.org/10.46299/j.isjip.20230201.03>
- Ebrahimi, N., Hosseini Dana, H. R., & Shah Mansori, B. (2022). The role of social networks in the stability of family relationships in rural areas of Kashmar. *Political Sociology of Iran*, 5(10), 2331-2376. <https://doi.org/10.30510/psi.2022.314586.2618>
- Ehrami, S. (2025). The Legal Basis of Ethical Values Creating Security for Women in the Family. *Ethics in Science and Technology*, 20(1), 1-7.
- Gorlatykh, A. Y. (2025). Gender Roles in the Family: Changing Expectations and Responsibilities. *Proceedings of the Southwest State University Series Economics Sociology and Management*, 15(1), 247-259. <https://doi.org/10.21869/2223-1552-2025-15-1-247-259>
- Graham, E. E., Tang, T., & Mahoney, L. M. (2020). Family matters: A functional model of family communication patterns and political participation. *Communication Studies*, 71(2), 262-279. <https://doi.org/10.1080/10510974.2020.1726426>
- Jacob, V., Reynolds, J. A., Chattopadhyay, S. K., Hopkins, D. P., Peterson, C., Tenney, B., & Community Preventive Services Task, F. (2025). Family-Based Interventions to Prevent Substance Use Among Youth: Community Guide Systematic Economic Review. *American Journal of Preventive Medicine*, 69(1), 107639. <https://doi.org/10.1016/j.amepre.2025.04.009>
- Khan, R. U. A., Arafat, Y., & Shahzad, M. A. (2020). Islamic Family Values Depicted in Urdu Drama Before and During Cable Era. *Global Political Review*, V(I), 119-126. [https://doi.org/10.31703/gpr.2020\(v-i\).14](https://doi.org/10.31703/gpr.2020(v-i).14)
- Kohansal Kalkenari, M., Bahraini, M. J., & Asgari, A. (2025). Pathology of the Wife's Financial Rights under the Family Protection Act of 2012. *Comparative Research in Jurisprudence, Law and Politics*, 1(1), 144-159.
- Li, X., Li, Y., & Liao, C. (2025). The Influence of Family Care and Perceived School Climate on the Perception of Security of Left-Behind Children: A Social Support Perspective. *Psychology in the Schools*, 63(2), 514-529. <https://doi.org/10.1002/pits.70107>
- Liu, S., Bracke, P., & Delaruelle, K. (2025). Diverging Family Behaviors: Socioeconomic Gradients in China's First Marriage Age across Cohorts. *Journal of Family Issues*.
- Mendes, T., Nazaré, B., & Crespo, C. (2026). How Coparenting Makes a Difference in Maternal Depressive Symptoms in Pediatric Epilepsy: The Roles of Relationship Burden and Socioeconomic Status. *Couple and Family Psychology Research and Practice*. <https://doi.org/10.1037/cfp0000311>
- Namani, E., Mohammadi Hosseini, S. A., Namani, R., & Arzandehfar, A. (2025). Investigating the mediating role of psychological security in the relationship between family cohesion and self-esteem with marital satisfaction among female teachers. *Journal of Applied Psychological Research*, 16(1), 199-221. <https://doi.org/10.22059/japr.2023.348899.644385>

- Nofal, R., Hassan, A., Abu Sleem, A., & Abdallah, O. (2024). Strategies for dealing with marital disputes and their relation to family security as perceived by wives. *Journal of Home Economics-Menofia University*, 34(2), 443-486.
- Oftedal, A., Larsen, L., & Helland, M. S. (2025). Economic Hardship During the Covid-19 Pandemic and Trajectories of Parent-Child Relationships: A Prospective Longitudinal Study Among Norwegian Families. *Family Process*, 64(2). <https://doi.org/10.1111/famp.70031>
- Rajabi Gilan, N., Zardoshtian, S., Sarabi, N., & Khezeli, M. (2025). The effect of work-family conflict, subjective socioeconomic status, and physical activity on perceived quality of life of working women in Iran: The mediating role of quality of work life. *BMC Women's Health*, 25, 45. <https://doi.org/10.1186/s12905-025-03578-6>
- Sheikhzadeh, H., & Asafari, M. H. (2020). Assessment of Women's Political Participation After the Islamic Revolution and Its Influencing Factors. *Islamic Research Journal on Women and Family*, 8(18), 9-31. <https://doi.org/10.13140/RG.2.2.16846.38721>
- Taghizadeh, A. (2024). Capacity assessment of the Family Support and Youth Law in achieving the general policies of social security; emphasizing the issue of childbearing. *Journal of Legal Research*, 24(62).
- Ṭahmāsbī Nāderī, F., Kāshānī, M., & Delāvar, A. (2022). Investigating the Impact of Cultural Capital on the Tendency towards Traditional and Modern Family Types (Case Study: Youth in Khorramabad City). *Iranian Political Sociology Quarterly*, 5(12), 443-467.
- Uditha, S., & Bulathwatta, A. (2025). Predictability of the Psychological Impact of the Economic Crisis on Family Functioning Within the Family Context in Sri Lanka. *Frontiers in psychology*, 16. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2025.1587710>
- Yuan, H., Yan, Z., Yue, Y., Zhao, Y., & Lei, J. (2025). The Relationship Between Family Socio-Economic Status and Preschool Children Parents' Parenting Sense of Competence: The Chain Mediating Role of Social Support and Psychological Capital. *Child & Family Social Work*. <https://doi.org/10.1111/cfs.13263>
- Zhao, G. (2025). The effect of self-control on impulsive consumption with the moderators of family socioeconomic status and peer feedback. *Asian Journal of Social Psychology*, 28(1), 1-11. <https://doi.org/10.1111/ajsp.12663>